طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

چهارشنبه ۲۰ آبان ماه ۱۴۰۵ سال بیستم شماره ۳۶۶۸ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان



چرا قلعه امیر «نو» شد؟؛ در پسِ پرده خبرهایی هست!

در صفحه ۳

۶ گزارش شهری

بررسی بازتعریف هویت ملی در سایه‌ی مقاومت؛

«سید مقاومت» و ملت‌سازی در لبنان

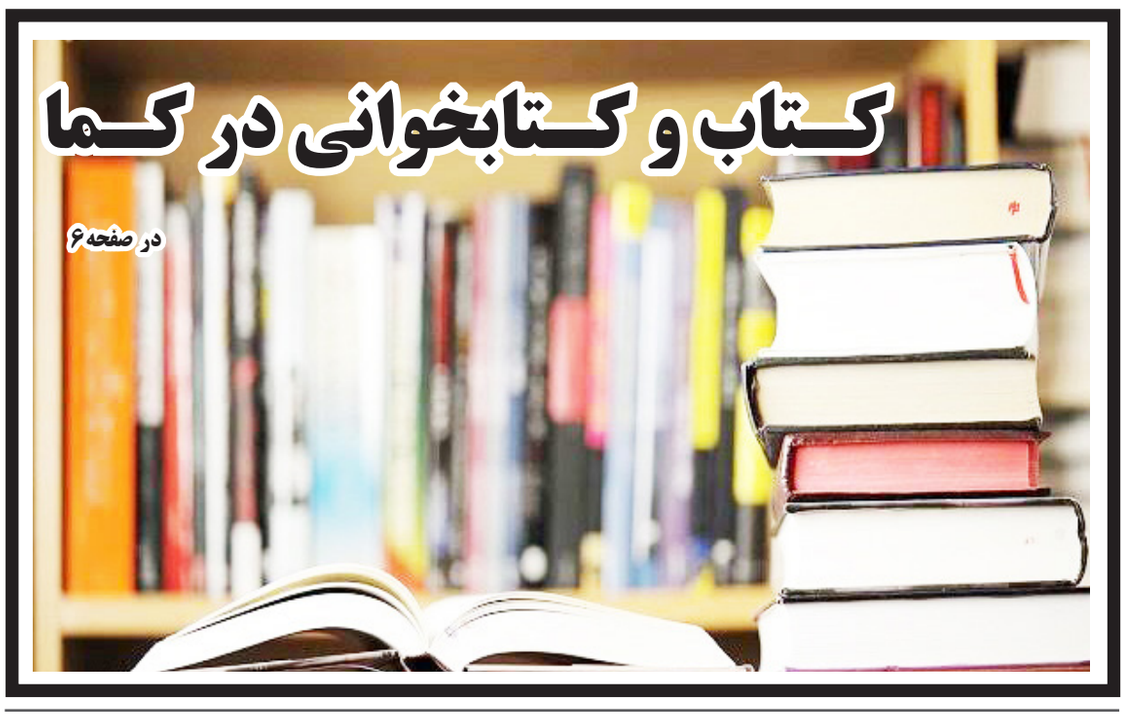
طرح نو؛ گروه گزارش

سردبیر: شهید سید حسن نصراله، دبیرکل پیشین حزب‌اله لبنان، نقشی بی‌بدیل در تحولات سیاسی، اجتماعی و هویتی لبنان در دهه‌های اخیر ایفا کرد. او با هدایت استراتژیک و فرهمندی خود، حزب‌اله را از یک حرکت صرفاً شیعی به محوری قدرتمند در گفتمان مقاومت ملی در سطح لبنان و منطقه تبدیل نمود. این مقاله به بررسی نقش کلیدی سید مقاومت در بازتعریف هویت ملی لبنان، ایجاد انسجام اجتماعی در جامعه چندطایفه‌ای این کشور، تقویت مشروعیت داخلی حزب‌اله و میراث ماندگار او در ابعاد مختلف می‌پردازد.

از حرکت طایفه‌ای تا محور مقاومت ملی در ۳ پرده

حزب‌اله لبنان در سال‌های ابتدایی خود، هرچند با الهام از انقلاب اسلامی ایران، اما در چارچوب اولویت‌های داخلی و اجتماعی جامعه شیعه این کشور شکل گرفت. این سازمان در ابتدا بیشتر به عنوان یک نیروی سیاسی و نظامی در خدمت منافع طایفه‌ای و منطقه‌ای شیعه تلقی می‌شد. اما با رهبری مدبرانه سید حسن نصراله، تحول شگرفی در این سازمان رخ داد. او با درک عمیق از پیچیدگی‌های جامعه لبنان و تهدیدات خارجی، توانست رویکردی فراگیر و ملی‌گرایانه را در حزب‌اله پیاده کند.

پرده‌ی اول: نصراله با هوشمندی، گفتمان مقاومت.....



در صفحه ۶

طرح نو بررسی می کند:

پارادوکس «آتاتُرک» و میراث مخدوش «پان‌ترکیسم»

طرح نو؛ سردبیر

در سال‌های اخیر، با تغییر جهت‌گیری‌های ژئوپلیتیک ترکیه و بازگشت شعارهای پان‌ترکیستی به صحنه سیاست بین‌الملل، پرسشی بنیادین و بحث‌برانگیز در میان مورخان و تحلیلگران سیاسی مطرح شده است: آیا کمال آتاترک، بنیان‌گذار جمهوری ترکیه، در واقع خالق و مروج ایدئولوژی پان‌ترکیسم بوده است؟ این پرسش نه تنها به معنای بازنگری در نقش یک رهبر ملی، بلکه به معنای بازخوانی ریشه‌های یکی از پرچالش‌ترین ایدئولوژی‌های منطقه است که می‌تواند سرنوشت ثبات در مرزهای خاورمیانه و قفقاز را تغییر دهد.....

در صفحه ۲

۲ سرمقاله

چرا آنکارا نگران حمله‌ی مجدد آمریکا به ایران است؟

طرح نو؛ سردبیر

در روزهای اخیر، اظهارات رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، پیرامون تماس تلفنی‌اش با دونالد ترامپ و تأکید بر لزوم جلوگیری از موج جدیدی از حملات علیه ایران، ابعاد تازه‌ای از محاسبات استراتژیک آنکارا در قبال تحولات خاورمیانه را عیان کرده است. اردوغان با صراحت اعلام کرد که منطقه طاقت بی‌ثباتیِ بیشتر را ندارد، حل‌وفصل مسائل تنها از طریق دیپلماسی امکان‌پذیر است و هزینه‌های هرگونه جنگ جدید، جغرافیاهایی وسیع از ترکیه و خلیج فارس گرفته تا عراق و سوریه را در بر خواهد گرفت. این موضع‌گیری، فراتر از یک تعارف مرسوم دیپلماتیک یا همبستگی احساسی با همسایه شرقی، بازتاب‌دهنده‌ی یک واقع‌گرایی تلخ و محاسبه‌شده در دستگاه سیاست خارجی ترکیه با این عنوان است که ثبات ایران، ستون فقرات امنیت و منافع ملی خودِ ترکیه نیز به شمار می‌رود.

برای درک چرایی مخالفت صریح آنکارا با احتمال جنگ یا بی‌ثباتی ساختاری در ایران، باید نگاهی به هزینه‌های سرسام‌آورِ از دست رفتنِ تعادل در این جغرافیا انداخت.....

۸ شهری

خانه‌های تاریخی؛ سرمایه‌ای که باید به زندگی تبریز بازگردد

۱ گزارش

گذر از ناترازی انرژی با بازطراحی خطوط تولید و بهینه‌سازی مصرف



طرح نو؛ گروه گزارش

نشست کمیسیون صنایع و انرژی اتاق بازرگانی تبریز در حالی بر ضرورت توسعه بخاری‌های پربازده و ابزارهای نوین مالی در راستای صرفه‌جویی گاز متمرکز شد که سایه سنگین ناترازی سوخت و تهدید محدودیت‌های زمستانی، صنایع و بخش خانگی را هم‌زمان در تنگنا قرار داده و گذار از تجهیزات سنتی به فناوری‌های نوین را به یک ضرورت حیاتی بدل کرده است.

با فرا رسیدن فصل سرد سال و تشدید سایه سنگین ناترازی گاز بر اقتصاد ملی، زنگ خطر برای بخش صنعت و شبکه توزیع به صدا درآمده است. تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که در روزهای اوج سرما، بخش خانگی خط قرمز گازرسانی بوده و ناگزیر، بیشترین بار محدودیت‌ها و قطع انرژی بر دوش واحدهای تولیدی و صنعتی به‌ویژه صنایع انرژی‌بری چون فولاد و پتروشیمی می‌افتد. از سوی دیگر، فرسودگی تجهیزات گرمایشی و راندمان پایین وسایل گازسوز سنتی در بخش خانگی، حجم عظیمی از انرژی کشور را هدر می‌دهد؛ وضعیتی که چرخ تأمین سوخت دوم صنایع را نیز با چالش‌های انبارداری و موانع اداری روبه‌رو کرده است.

در چنین شرایطی، دیگر اتکا صرف به جیره‌بندی فصلی یا مدیریت مقطعی مصرف پاسخگوی بحران نیست. عبور از این بن‌بست ساختاری نیازمند یک جراحی همه‌جانبه؛ از جمله بازطراحی خطوط تولید به سمت تجهیزات پربازده (مانند بخاری‌های هرموتیک با راندمان ۸۰ درصد)، فعال‌سازی ابزارهای نوین اقتصادی چون گواهی‌های صرفه‌جویی انرژی و جلب مشارکت واقعی بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در زنجیره بهینه‌سازی است.

«یونس اکبرپور پایدار»، رئیس کمیسیون صنایع و انرژی اتاق بازرگانی تبریز، در این نشست با اشاره به ظرفیت‌های تولیدی آذربایجان شرقی اظهار کرد: در صورت تولید بخاری‌های هرموتیک با راندمان بالا در استان، امکان حمایت از تولیدکنندگان فراهم است و صنایع پرمصرف مانند واحدهای فولادی می‌توانند مشتریان اصلی این محصولات باشند.

وی با اعلام آمادگی انجمن لوازم خانگی برای ورود به این حوزه، از شرکت گاز خواست با خرید و حمایت از این محصولات، ضمن کاهش مصرف انرژی، به توسعه ظرفیت تولیدکنندگان داخلی کمک کند.

در ادامه، «علیرضا شیخی»، مدیرعامل شرکت گاز استان، با مقایسه راندمان ۲۲ تا ۳۰ درصدی بخاری‌های سنتی با بازدهی ۸۰ درصدی مدل‌های هرموتیک، بر لزوم تغییر رویکرد تولیدکنندگان تأکید کرد.

وی با اشاره به الگوهای ملی کارور انرژی اظهار کرد: شرکت‌های کارور می‌توانند هزینه جایگزینی تجهیزات قدیمی را تقبل کرده و در قبال آن، گواهی‌های صرفه‌جویی انرژی با قابلیت معامله در بورس انرژی دریافت کنند؛ روندی که تولیدکنندگان بخاری نیز می‌توانند به‌عنوان کارور در آن مشارکتی فعال داشته باشند.

لزوم شفافیت اقتصادی و طرح توجیهی

«فرهاد نیک‌نفس»، نایب‌رئیس کمیسیون صنایع و انرژی اتاق تبریز هم با تأکید بر لزوم ارائه اعداد و ارقام دقیق گفت: صنایع فولادی نخستین قربانیان محدودیت‌های مصرف گاز در زمستان هستند و اگر قرار است سرمایه‌گذاری جدیدی در حوزه بهینه‌سازی انجام شود، باید بازگشت سرمایه، نحوه عرضه به خانوارها و سازوکار تخصیص گواهی‌های انرژی کاملاً شفاف باشد.

در همین راستا، «وحید کوچه‌مشکی»، رئیس کارگروه انرژی کمیسیون، پیشنهاد تشکیل کمیته‌ای مشترک میان انجمن لوازم خانگی، تولیدکنندگان، صنایع پرمصرف و شرکت گاز را مطرح کرد و افزود: تدوین پروپوزالی جامع برای مشخص شدن هزینه تولید، میزان صرفه‌جویی و ساختار قانونی عرضه‌ی گواهی‌های انرژی در بخش گاز، گام ضروری برای این طرح است.

«حسین امجد»، نایب‌رئیس انجمن لوازم خانگی استان نیز با اشاره به آمادگی واحدهای صنعتی برای تولید این محصولات، قدرت خرید خانوارها را چالشی جدی خواند و اظهار کرد: برای ترغیب مصرف‌کنندگان به خرید مدل‌های جدید و گران‌تر، حمایت‌های دولتی و خرید حمایتی شرکت گاز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بررسی موانع تأمین سوخت دوم صنایع

در بخش پایانی نشست، موانع اداری و اجرایی ذخیره‌سازی سوخت واحدهای صنعتی بررسی شد. «حضرتی»، نماینده اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان، با اشاره به اختصاص حدود ۱۱ میلیون لیتر سوخت دوم، بر لزوم رفع مشکل نبود مخزن ذخیره در برخی واحدهای تولیدی تأکید کرد و پیشنهاد داد مهلتی سه تا چهارماهه برای تهیه، نصب و تأییدیه‌های فنی مخازن پلمب‌شده سوخت به صنایع اعطا شود.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان‌شرقی؛

سراب ظرفیت تبدیل شدن به قطب کشاورزی و دامپروری کشور را دارد



طرح نو؛ گروه خبر

رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان‌شرقی با اشاره به ظرفیت‌های تولیدی شهرستان سراب، توسعه کشاورزی دانش‌بنیان، کم‌آب‌بر و صادرات‌محور را از ضرورت‌های بخش کشاورزی این منطقه عنوان کرد.

شهرام شفیعی در جلسه بررسی پروژه‌های آب و خاک شهرستان سراب که با حضور جعفر گوهرگانی معاون آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی و مجید نصیرپور نماینده مردم سراب در مجلس شورای اسلامی در فرمانداری این شهرستان برگزار شد، اظهار کرد: سراب توانمندی‌های قابل توجهی برای تبدیل شدن به یکی از قطب‌های اصلی کشاورزی، دامپروری و صنایع تبدیلی کشور دارد و شاخص‌های تولیدی آن نشان‌دهنده جایگاه ویژه این شهرستان در بخش کشاورزی استان است.

وی با اشاره به عملکرد تولیدی سراب در بخش زراعت افزود: این شهرستان امسال در زمینه خرید تضمینی گندم جزو مناطق برتر استان بوده و در تولید سیب‌زمینی رتبه نخست و در تولید جو رتبه دوم آذربایجان‌شرقی را به خود اختصاص داده است.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان‌شرقی، این ظرفیت‌ها را نشان‌دهنده توان تولیدی شهرستان و قابلیت بهره‌برداران آن دانست و تصریح کرد: با توجه به استقبال کشاورزان سراب از فناوری‌های جدید، برنامه‌ریزی برای تغییر الگوهای سنتی تولید و حرکت به سمت کشاورزی دانش‌بنیان، کم‌آب‌بر، صنعتی و صادرات‌محور در دستور کار قرار دارد.

شفیعی با اشاره به تدوین برنامه‌های راهبردی برای توسعه بخش کشاورزی سراب خاطرنشان کرد: اجرای این برنامه‌ها نیازمند توجه هم‌زمان به زیرساخت‌های تولید، به‌ویژه منابع آب و خاک است؛ چراکه پایداری فعالیت‌های کشاورزی به مدیریت اصولی این منابع وابسته است.

وی همچنین با اشاره به ظرفیت‌های شهرستان در مدیریت منابع آبی گفت: سراب سدهای خاکی کوچک و مناسبی دارد که می‌توان از آنها برای مدیریت و بهره‌برداری بهتر از منابع آب استفاده کرد. تقویت اعتبارات این بخش می‌تواند زمینه تکمیل و توسعه طرح‌های آب و خاک و افزایش بهره‌وری منابع آبی را فراهم کند.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان‌شرقی با تأکید بر نقش کشاورزی در امنیت غذایی کشور اظهار کرد: اهمیت این بخش در شرایط دشوار و دوران جنگ بیش از گذشته نمایان شد و ضرورت حمایت از زیرساخت‌های تولید و تأمین پایدار نهاده‌های مورد نیاز کشاورزی را نشان داد.

شفیعی در پایان خواستار تأمین اعتبارات ملی برای اجرای پروژه‌های اولویت‌دار کشاورزی سراب شد و گفت: مناطق مستعد و دارای ظرفیت در این شهرستان شناسایی شده‌اند و اختصاص منابع ملی می‌تواند اجرای طرح‌های زیربنایی و استفاده بیشتر از توانمندی‌های تولیدی منطقه را امکان‌پذیر کند.

سرمقاله

چرا آنکارا نگران حمله‌ی مجدد آمریکا به ایران است؟



طرح نو؛ سردبیر

در روزهای اخیر، اظهارات رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، پیرامون تماس تلفنی‌اش با دونالد ترامپ و تأکید بر لزوم جلوگیری از موج جدیدی از حملات علیه ایران، ابعاد تازه‌ای از محاسبات استراتژیک آنکارا در قبال تحولات خاورمیانه را عیان کرده است. اردوغان با صراحت اعلام کرد که منطقه طاقت بی‌ثباتیِ بیشتر را ندارد، حل‌وفصل مسائل تنها از طریق دیپلماسی امکان‌پذیر است و هزینه‌های هرگونه جنگ جدید، جغرافیاهایی وسیع از ترکیه و خلیج فارس گرفته تا عراق و سوریه را در بر خواهد گرفت. این موضع‌گیری، فراتر از یک تعارف مرسوم دیپلماتیک یا همبستگی احساسی با همسایه شرقی، بازتاب‌دهنده‌ی یک واقع‌گرایی تلخ و محاسبه‌شده در دستگاه سیاست خارجی ترکیه با این عنوان است که ثبات ایران، ستون فقرات امنیت و منافع ملی خودِ ترکیه نیز به شمار می‌رود.

برای درک چرایی مخالفت صریح آنکارا با احتمال جنگ یا بی‌ثباتی ساختاری در ایران، باید نگاهی به هزینه‌های سرسام‌آورِ از دست رفتنِ تعادل در این جغرافیا انداخت. ایران و ترکیه، فارغ از تمامی رقابت‌های دیرینه، اختلاف‌نظرهای ژئوپلیتیک و تفاوت دیدگاه‌ها در پرونده‌هایی چون سوریه، عراق یا قفقاز، دارای پیوندهای امنیتی گسست‌ناپذیری هستند. تجربه‌ی تلخ و پرهزینه‌ی دهه‌های اخیر در پیرامون مرزهای ترکیه به این کشور آموخته است که جنگ در کشورهای همسایه، پدیده‌ای محبوس در پشت مرزها نیست. بی‌ثباتی در کشوری به وسعت و اهمیت ایران، به‌سرعت به موجی سهمگین از ناامنی، تقویت و فعال‌سازی گروه‌های تروریستی و مسلح، اختلال در خطوط انرژی و لجستیک، و از همه مهم‌تر، گسیل موج‌های عظیم مهاجرتی تبدیل می‌شود. ترکیه که هنوز زیر بار سنگین اقتصادی و اجتماعیِ میزبانی از میلیون‌ها آواره‌ی سوری کمر خم کرده است، به‌خوبی می‌داند که تحمل پیامدهای انسانی و اجتماعیِ بحران در ایران، فراتر از ظرفیت‌های زیرساختی و سیاسی این کشور خواهد بود.

علاوه بر الزامات امنیتی، معادلات کلان قدرت و منافع اقتصادی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در این موضع‌گیری دارند. آنکارا به درستی تشخیص داده است که تضعیف یا فروپاشی ساختار سیاسی و سرزمینی ایران، موازنه‌ی قوا در خاورمیانه را به‌شدت به زیان بازیگران منطقه‌ای برهم می‌زند. گسترش جنگ‌های فرسایشی و جولان دادن قدرت‌های فرامنطقه‌ای یا ماجراجویی‌های رژیم صهیونیستی در منطقه‌ای که ایران در مرکز ثقل ثبات آن قرار دارد، می‌تواند ترکیه را در یک محاصره‌ی استراتژیک از بحران‌های فرامرزی گرفتار کند. افزون بر این، روابط اقتصادی و تجاری تهران و آنکارا، شریان حیاتی مهمی برای پویایی بازارها و ترانزیت انرژی در غرب آسیا است. ایران نه تنها یکی از شرکای تجاری کلیدی ترکیه، بلکه دالانی امن برای اتصال این کشور به بازارهای آسیای مرکزی و فراتر از آن است. هرگونه آسیب به این پیوندها، اقتصاد ترکیه را که هم‌اکنون با چالش‌های ساختاری دست‌وپنجه نرم می‌کند، با شوک‌های جبران‌ناپذیری روبه‌رو خواهد ساخت.

با این همه، نگاه واقع‌بینانه به روابط تهران و آنکارا ایجاب می‌کند که تفاوت میان «مدیریت تنش» و «هم‌افزایی راهبردی» را از یاد نبریم. دو کشور در بسیاری از حوزه‌ها رقابتی سنتی و گاه اصطکاکی جدی دارند؛ اما بلوغ سیاسی رهبران هر دو کشور ایجاب می‌کند که مرز میان رقابت منطقه‌ای و فاجعه‌ی ژئوپلیتیک را به رسمیت بشناسند. مخالفت اردوغان با جنگ علیه ایران، اذعان ضمنی به این حقیقت است که در نظام آشوب‌زدهٔ کنونی، فروپاشی ایران به معنای پیروزی هیچ‌کس نخواهد بود، بلکه آتشی است که دود آن پیش از هر جای دیگر، چشم همسایگان غربیِ ایران را خواهد سوزاند. در نهایت، پیامی که از آنکارا به گوش می‌رسد، هشدار به این واقعیت است که حفظ ثبات در مرزهای شرقی، شرط بقا و امنیت ملی در آن سوی مرزهاست؛ اصلی که اگر نادیده گرفته شود، وانفسای آن دامان تمامی بازیگران منطقه را خواهد گرفت.

طرح نو بررسی می‌کند:

پارادوکس «آتاتُرک» و میراث مخدوش «پان‌ترکیسم»

طرح نو؛ سردبیر

در سال‌های اخیر، با تغییر جهت‌گیری‌های ژئوپلیتیک ترکیه و بازگشت شعارهای پان‌ترکیستی به صحنه سیاست بین‌الملل، پرسشی بنیادین و بحث‌برانگیز در میان مورخان و تحلیلگران سیاسی مطرح شده است: آیا کمال آتاترک، بنیان‌گذار جمهوری ترکیه، در واقع خالق و مروج ایدئولوژی پان‌ترکیسم بوده است؟ این پرسش نه تنها به معنای بازنگری در نقش یک رهبر ملی، بلکه به معنای بازخوانی ریشه‌های یکی از پرچالش‌ترین ایدئولوژی‌های منطقه است که می‌تواند سرنوشت ثبات در مرزهای خاورمیانه و قفقاز را تغییر دهد.

بسیاری از ناظران ناآگاه، به دلیل هم‌پوشانی‌های ظاهری میان «ناسیونالیسم ترکی» و «پان‌ترکیسم»، این دو را با هم یکی می‌پندارند. اما بررسی دقیق رویکردهای آتاترک نشان می‌دهد که این دو، دو مسیر کاملاً متفاوت هستند. آتاترک، پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و در میان خاکستر جنگ‌های جهانی، بر ایجاد یک دولت–ملت مدرن، سکولار و متمرکز با تمرکز بر «ناسیونالیسم ترکی» تأکید داشت. هدف او ایجاد یک هویت ملی منسجم در مرزهای مشخص و تعریف‌شده بود، نه گسترش قلمرو در جستجوی نژادهای هم‌زبان.

در واقع، آتاترک با نگاهی واقع‌گرایانه به وضعیت ژئوپلیتیک دوران خود، پان‌ترکیسم را نه یک فرصت، بلکه یک «تله مرگبار» می‌دانست. از نظر وی، تلاش برای پیوند میان تمام تُرک‌های جهان، همان عاملی بود که امپراتوری عثمانی را از درون دچار فرسایش کرد و در نهایت منجر به فروپاشی آن شد. پان‌ترکیسم با ایجاد تنش‌های فرامرزی و درگیری با قدرت‌های بزرگ، ترکیه را به سمت هیجانات بی‌پایانی سوق می‌داد که هیچ توان نظامی و اقتصادی برای مدیریت پیامدهای آن وجود نداشت. به همین دلیل، در دوران حاکمیت او، گروه‌های پان‌ترکیست نقش فعالی در سیاست‌های رسمی دولت نداشتند و آتاترک با صراحت، از هرگونه سیاست توسعه‌طلبانه که ثبات جمهوری نوپا را به خطر می‌انداخت، پرهیز می‌کرد.

در این میان باید توجه داشت که هنگام بررسی شخصیت آتاترک، با پارادوکس‌های تاریخی عجیبی روبرو می‌شویم که گاهی در روایت‌های رسمی تُرکیه نادیده گرفته می‌شود. آتاترک، مردی که نماد مطلق هویت ملی ترکیه است، پیشینه‌ای دارد که با روایت‌های سنتی ناسازگار است. او که در یونان امروزی چشم به جهان گشود، از تبار «دونمه‌ها» (یهودیان تُرک) بود؛ یعنی فردی که از یک پیشینه یهودی–یونانی برخاست و در نهایت رهبر مذهبی و سیاسی تُرکان جهان شد. این نکته، نشان‌دهنده پیچیدگی‌های هویتی در منطقه است که در آن مرزهای نژادی و مذهبی، بیش از آنکه صلب باشند، بر اثر تحولات تاریخی، منعطف و گاه متناقض شده‌اند.

اما بحث اصلی، فراتر از هویت شخصی آتاترک، به منشأ خودِ ایدئولوژی پان‌ترکیسم بازمی‌گردد. اگر بخواهیم به دنبال ریشه‌های واقعی این حرکت بگردیم، باید از مسیرهای رسمی فراتر برویم و به تحلیل نقش قدرت‌های استعماری بپردازیم. شواهد تاریخی حاکی از آن است که پان‌ترکیسم، برخلاف ادعای نژادی‌بودن، ابزاری مهندسی‌شده برای مدیریت آشوب در قلمرو عثمانی بود.

نقش قدرت‌های استعماری در مهندسی پان‌ترکیسم

تحقیقات نشان می‌دهد که ایدئولوژی پان‌ترکیسم، برخلاف آنچه در کتاب‌های درسی تدریس می‌شود، محصول خالصِ خواستِ تُرک‌ها نبوده است. در واقع، این ایده به عنوان ابزاری برای ایجاد شکاف در بدنه امپراتوری عثمانی و درگیر کردن آن با دشمنان داخلی و خارجی طراحی شده بود. نام‌هایی چون آرمینیوس وامبری، لئون کوهن و دیوید لملی، که از تحلیلگران و مهندسان سیاسی با پیشینه‌های انگلیسی مطرح هستند، در کنار این بحث‌ها قرار می‌گیرند.

این نظریه مطرح است که پان‌ترکیسم، در واقع یک «تله استراتژیک» بود که توسط قدرت‌های انگلیسی‌زبان برای عثمانی‌ها پهن شد. هدف از این کار، سوق دادن دولت عثمانی به سمت جنگ‌های بیهوده، درگیر کردن منابع آن با گروه‌های قومی و در نهایت تسهیل فرآیند تجزیه امپراتوری بود. با این رویکرد، پان‌ترکیسم از یک آرمان نژادی، به یک ابزار مهندسی‌شده برای بی‌ثبات‌سازی منطقه‌ای تبدیل شد؛ ابزاری که عثمانی‌ها با ورود به دام آن، بخشی از حاکمیت خود را به نفع قدرت‌های استعماری از دست دادند.

درس‌هایی برای آینده

امروز که دوباره شاهد بازگشت تندروانه شعارهای پان‌ترکیستی در سیاست خارجی آنکارا هستیم، باید با نگاهی به تاریخ، خطرات این مسیر را بازشناسی کنیم. اگر پان‌ترکیسم در گذشته، ابزاری برای فروپاشی عثمانی و ماشه‌ای برای درگیری‌های بی‌ثمر بود، امروز نیز می‌تواند به همان شیوه عمل کند.

آتاترک با درک این حقیقت، از این مسیر دوری جست و بر ساختار ملی متمرکز تأکید کرد. اما امروز، وقتی سیاست‌گذاران دوباره به سمت رؤیاهای توسعه‌طلبانه و تفرقه‌افکنانه حرکت می‌کنند، باید پرسید که آیا آن‌ها در حال بازسازی قدرت هستند یا در حال ورود مجدد به همان تله‌ای که قرن گذشته امپراتوری عثمانی را به نابودی کشاند؟ تاریخ نشان می‌دهد که وقتی هویت‌های قومی به ابزار جنگ ژئوپلیتیک تبدیل می‌شوند، نه تنها قدرت‌های محلی، بلکه خودِ ملت‌ها نیز در گرداب بی‌ثباتی و فروپاشی غرق خواهند شد.

سیاست

بررسی رویکرد چین در قبال دالان زنگزور؛

از احتیاط ژئوپلیتیکی تا عمل‌گرایی اقتصادی



طرح نو؛ سردبیر

کریدور زنگزور، در نگاه نخست، پروژه‌ای صرفاً منطقه‌ای است که با دور زدن ایران (دالان ارس)، از جنوب کشوری کوچک به نام ارمنستان، یک کشور کوچک دیگر به نام جمهوری آذربایجان را به تکه ای از سرزمین جداشده‌اش به اسم نخجوان پیوند می‌دهد. اما در لایه‌های عمیق‌تر، این مسیر به حلقه‌ای از زنجیره بلندپروازانه‌تر در جغرافیای سیاسی اوراسیا بدل می‌شود؛ اتصال دریای کاسپین و در نهایت آسیای مرکزی به ترکیه و اروپا، با عبور از جنوب ارمنستان و حذف ایران به‌عنوان گذرگاه اصلی!!

از زمان طرح این ایده، بازیگران گوناگون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، هر یک از منظر منافع راهبردی خود، به آن نگریسته‌اند. در این میان، چین به‌عنوان قدرتی که طی یک دهه اخیر پروژه «ابتکار کمربند و راه» را به ستون سیاست خارجی خود تبدیل کرده، با توجهی ویژه اما سنجیده به زنگزور می‌نگرد. پرسش کلیدی آن است که آیا پکن این مسیر را تهدیدی علیه جایگاه راهبردی خود می‌داند یا امکانی تازه برای تقویت نفوذ اقتصادی خویش در قلب اوراسیا؟ در این مطلب کوتاه تلاش دارم تا این موضوع را بررسی کنم!

از ابتکار کمربند و راه تا معمای زنگزور

ابتکار «کمربند و راه» چین، که نخستین بار در سال ۲۰۱۳ توسط «شی جین‌پینگ» اعلام شد، نقشه‌ای جامع برای بازپیوند دادن شرق و غرب از طریق شبکه‌ای از خطوط ریلی، جاده‌ای، انرژی و دیجیتال است. این پروژه دو مسیر اصلی دارد:

۱. کمربند اقتصادی جاده ابریشم (مسیر زمینی)، که چین را از طریق آسیای مرکزی به روسیه، قفقاز و سپس اروپا متصل می‌کند.

۲. جاده ابریشم دریایی، که بندرهای چین را به اقیانوس هند، خاورمیانه و آفریقا پیوند می‌دهد.

در این چارچوب، هر تغییری در جغرافیای ترانزیتی اوراسیا می‌تواند مستقیماً بر وزن و اهمیت طرح‌های ترانزیتی چین اثر بگذارد. زنگزور به‌ویژه از این جهت حساس است که از مسیر ایران عبور نمی‌کند و نقش لجستیکی تهران را در مسیر شرق – غرب کاهش می‌دهد، در حالی که نقش ترکیه و جمهوری آذربایجان را ارتقا می‌بخشد؛ دو کشوری که در آرایش ژئوپلیتیکی نوین منطقه، گرایش‌هایی مشخص به ناتو و غرب دارند.

زنگزور، تهدیدی به‌سود ناتو و علیه چین

در نگاه نخست، برخی تحلیل‌گران اوراسیایی معتقدند که کریدور زنگزور بیش از هر چیز، تهدیدی برای چین است. این دیدگاه مبتنی بر چند محور کلیدی است:

نقش غرب و آمریکا در پشت صحنه پروژه: در سال‌های اخیر، قفقاز جنوبی به‌ویژه پس از جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰) به صحنه رقابت تازه میان روسیه و غرب تبدیل شده است. غرب آشکارا از مسیرهایی حمایت می‌کند که بتواند وابستگی کشورهای منطقه به ایران و روسیه را کاهش دهد. چنین وضعیتی به معنی پیش‌روی کریدورهایی است که چنین کشورهایی را کنار می‌زنند، کریدور زنگزور یکی از آنهاست. از سوی دیگر، آمریکا در سال‌های اخیر کوشیده است مسیرهای جایگزین ترانزیتی را با همکاری ترکیه و جمهوری آذربایجان تقویت کند تا یکی از ستون‌های نفوذ اقتصادی چین در منطقه یعنی شبکه کریدورهای ابریشم نو را تضعیف کند.

چالش برای نفوذ چین در آسیای مرکزی: چین طی دو دهه گذشته از طریق سرمایه‌گذاری سنگین در زیرساخت‌های قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان، این منطقه را به پشتوانه اقتصادی پروژه کمربند و راه بدل کرده است. اما با ایجاد زنگزور و افزایش وابستگی مسیر جدید به ترکیه، این خطر مطرح است که بار ترانزیتی کشورهای آسیای مرکزی به‌مرور به مسیرهای ترکیه‌محور منتقل شود و ظرفیت چین برای کنترل اقتصادی شبکه‌های ترانزیتی اوراسیا کاهش یابد.

افزایش نقش ناتو در قفقاز جنوبی: پکن به‌شدت نسبت به گسترش نهادهای امنیتی غرب در پیرامون جغرافیای خود حساس است. حضور ترکیه، که هم‌زمان عضو ناتو و بازیگر فعال در قفقاز است، می‌تواند مسیر زنگزور را به ابزاری ژئواقتصادی در راستای منافع ناتو بدل سازد. در این حالت، چین با یک مسیرِ رقیب مواجه می‌شود که زیر نفوذ غرب عمل می‌کند و احتمالاً موجب تضعیف پیوندهای اوراسیایی تحت رهبری چین، روسیه و ایران خواهد شد.

زنگزور به‌مثابه فرصت هم‌افزایی

در برابر برداشت و نگاه بالا، طیفی از نخبگان فکری چینی و اوراسیایی بر این باورند که پکن همواره حتی از مسیرهای غیرمستقیم به‌عنوان فرصت استفاده می‌کند. این گروه معتقدند که:

کریدور زنگزور بخشی از شبکه بزرگ‌تر کریدور میانی است: زنگزور در واقع شاخه‌ای از «کریدور میانی» محسوب می‌شود که چین را از طریق قزاقستان، دریای خزر، جمهوری آذربایجان، گرجستان، ترکیه و در نهایت به اروپا وصل می‌کند. پکن در سال‌های اخیر با سرمایه‌گذاری در بنادر آکتائو و ترکمن‌باشی و امضای توافق‌های ریلی با جمهوری آذربایجان، در شکل‌دهی بخش‌هایی از همین مسیر حضور فعال داشته است. در نتیجه، داشته‌های فعلی چین می‌تواند با فعال شدن زنگزور تقویت شود.

اصل بی‌طرفی و عمل‌گرایی چینی: سیاست خارجی چین سنتاً از ورود به منازعات دوجانبه پرهیز دارد. این کشور تمایل دارد در هر مسیری که سود اقتصادی دارد، نقش‌آفرینی کند. در منطق «ابتکار کمربند و راه»، چین به جای حذف رقبا، مسیرهای مکمل ایجاد می‌کند تا وزن نسبی خود را در همه شبکه‌ها حفظ کند. از این رو، حتی اگر مسیر زنگزور در ابتدا ابتکار غربی تلقی شود، چین می‌تواند با بهره‌گیری از دیپلماسی زیرساخت، آن را در شبکه‌های مالی و لجستیکی خود ادغام کند.

کوتاه شدن زمان و هزینه حمل‌ونقل به اروپا: یکی از اهداف کلیدی چین کاهش زمان ترانزیت است. زنگزور در ترکیب با کریدور میانی، مسیر چین به اروپا را حدود ده روز کوتاه‌تر می‌کند. این مسئله هم برای تجارت چین اهمیت دارد و هم برای توسعه مناطق غربی کشور (به‌ویژه سین‌کیانگ) که نیازمند مسیرهای مطمئن صادراتی هستند.

راهکاری برای اعتمادسازی با ترکیه و جمهوری آذربایجان: چین در سال‌های اخیر روابط اقتصادی خود را با ترکیه گسترش داده و در حوزه تأمین مالی و پروژه‌های انرژی حضور فزاینده‌ای یافته است. پکن از طریق مشارکت در پروژه‌هایی مانند زنگزور می‌تواند سطح روابط با ترکیه را ارتقا دهد و در حوزه قفقاز جایگاه خود را مستحکم‌تر کند، بی‌آنکه با روسیه یا ایران وارد رقابت آشکار شود.

چینیها میان احتیاط و فرصت‌سازی

در بررسی ژرف‌تر، روشن است که راهکار واقعی چین، نه تقابل صریح و نه استقبال بی‌محابا، بلکه «تطبیق هوشمندانه» است. پکن به‌خوبی می‌داند که در ژئوپلیتیک پیچیده قفقاز، هر تحرک مستقیم می‌تواند حساسیت روسیه، ایران یا حتی کشورهای غربی را برانگیزد. در عین حال، چین به‌دلیل نیاز فزاینده‌اش به مسیرهای تجاری مطمئن، نیازی حیاتی به حفظ و گسترش مسیرهای متنوع دارد. از این‌رو، استراتژی واقع‌بینانه چین را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

سرمایه‌گذاری غیرمستقیم و نرم: چین به جای ورود مستقیم، از طریق بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا یا پروژه‌های مشترک با کشورهای آسیای مرکزی در توسعه اتصال‌های جانبی کریدور نقش می‌پذیرد.

حفظ روابط متوازن با ایران و روسیه: پکن می‌داند که حمایت علنی از زنگزور می‌تواند از نگاه تهران یا مسکو به معنای همراهی با سیاست تضعیف مسیرهای جنوبی تلقی شود. از این رو ضمن تماس دیپلماتیک با ترکیه و جمهوری آذربایجان، خود را به‌عنوان بازیگر بی‌طرف معرفی می‌کند.

پیشبرد دیپلماسی چندسطحی: چین ذیل سازمان همکاری شانگهای و نشست‌های اقتصادی اوراسیایی، قفقاز را به‌مثابه پیوندگاه میان اوراسیا و اروپا معرفی می‌کند و با ادبیات «هم‌افزایی زیرساخت‌ها» سعی دارد هر مسیر جدید را به نفع خود معنا کند.

بُعد ژئوفرهنگی و نرم‌قدرت چین

کریدور زنگزور تنها یک مسیر تجاری نیست؛ بلکه آزمونی است برای قدرت نرم چین در محیطی که عرصه رقابت نمادها و ایدئولوژی‌ها نیز هست. چین در سال‌های اخیر با تأسیس مراکز کنفوسیوس و مراکز زبان چینی در باکو و تفلیس، کوشیده است نفوذ فرهنگی خود را تا قفقاز گسترش دهد. پکن درک می‌کند که خنثی‌سازی نفوذ غرب تنها با زیرساخت فیزیکی ممکن نیست، بلکه باید همراه با حضور آموزشی، شناختی و رسانه‌ای باشد. در چنین چارچوبی، چین تلاش می‌کند زنگزور را از «نماد نفوذ ناتو» به یکی از «دروازه‌های تمدن‌های آسیا» بدل سازد.

پیامدهای منطقه‌ای برای ایران و روسیه

چنان‌که آشکار است، ایران و روسیه نسبت به پیامدهای راهبردی زنگزور نگرانی دارند. هر دو کشور مسیرهای خود را بخشی از شبکه ترانزیتی اوراسیایی می‌دانند و با حذف از آن، قدرت راهبردی‌شان تضعیف می‌شود. پکن، در مواجهه با این نگرانی‌ها، سیاست «موازنه مسالمت‌آمیز» را دنبال خواهد کرد. یعنی هم‌زمان که از هم‌افزایی با زنگزور استقبال می‌کند، در مسیر شمال–جنوب (ایران–روسیه–هند) نیز سرمایه‌گذاری می‌کند تا وزن خود را به دو مسیر تقسیم کند. از این منظر، چین نه‌تنها قربانی رقابت مسیرها نیست، بلکه خود مهندس توازن میان آنها است.

زنگزور؛ تهدید بالقوه یا فرصت بالفعل؟

در پایان و در نتیجه گیری این مقاله باید گفت که چین با واقع‌گرایی همیشگی خود، زنگزور را نه مسیر دیگری از درگیری منطقه‌ای، بلکه سطحی از بازی بلندمدت در بازآرایی اوراسیا تلقی می‌کند. در حالی‌که آمریکا می‌کوشد از این کریدور برای موازنه با ایران و روسیه بهره گیرد، چین سعی دارد با رویکردی اقتصادی و چندلایه، آن را به جزئی از شبکه جهانی خود مبدل کند.

به بیان دیگر، در سیاست پکن هیچ مسیری تهدید مطلق نیست؛ هر گذرگاهی می‌تواند به بخشی از کمربند ابریشم بدل شود، اگر چین بتواند قواعد بازی را بازتعریف کند. در نهایت، زنگزور برای چین آزمونی است از اینکه آیا می‌تواند همچنان «کارگزار خاموش اتصال جهان» باقی بماند؛ بدون حضور نظامی، با قدرت سرمایه و منطق صبر استراتژیک؟! و یا باید در کنار روسیه و ایران به عنوان سه دولتی که تلاش دارند تا نظم جدید ژئوپلتیکی در جهان با حضور چند قطب را بازتعریف کنند، ایستاده و نگرانی‌های دو متحد جدید خود درباره زنگزور را جدی بگیرد؟

یادداشت

چرا قلعه امیر «نو» شد؟؛ در پسِ پرده خبرهایی هست!



طرح‌نو؛ گروه ورزش
به نظر می‌رسد امیر قلعه‌نویی بالاخره تسلیم منتقدان شده و حتی برای یک اردو، قلم قرمز روی بازیکنان باتجربه کشیده است.
با تعویق جام ملت‌های آسیا، گروهی بر این عقیده‌اند که امیر قلعه‌نویی یک سال فرصت دارد تا پروژه جوانگرایی و تغییر نسل را انجام بدهد و تیمی متشکل از ستاره‌های جوان و مهره‌های باتجربه بسازد. اتفاقی که برخی منتقدان از مدت‌ها قبل منتظرش بودند و شاید کمی دیر، اما در لیست جدید امیر قلعه‌نویی شاهد آن هستند.
بازیکنان باتجربه‌ای نظیر مهدی طارمی، علیرضا بیرانوند، شجاع خلیل‌زاده، علیرضا جهانبخش و احسان حاجی‌صفی راهی به اردوی تیم ملی پیدا نکرده‌اند. اتفاقی که برای اولین بار در سال‌های اخیر رخ داده و باعث شده تا بازیکنان جوان نیز پیراهن تیم ملی را بر تن کنند و حداقل در تورنمنت بصره تجربه‌ای بیندوزند.
جوانگرایی ابزار می‌خواهد و این اعتقاد همیشه وجود دارد که سن، یک عدد است و در هیچ کجای جهانِ فوتبال، بازیکن مسن اما آماده را از تیم‌های ملی کنار نمی‌گذارند. مثلاً شما به احسان حاجی‌صفی نگاه کنید؛ بدون شک یکی از بهترین بازیکنان لیگ در هفته‌ها و ماه‌های اخیر است. آیا بازیکنی که در ۳۷ سالگی، همچنان می‌درخشد، به بهانه جوانگرایی باید از تیم ملی دور بماند؟
این توضیح، درباره مهدی طارمی هم صدق می‌کند. آیا ما بازیکنِ جوانی داریم که حتی ۵۰ درصد از توانایی‌های مهاجم ۳۴ ساله الوصل را داشته باشد؟ قطعا، پاسخ منفی است. بنابراین گذر از نامِ طارمی کمی عجیب و قابل تأمل است. به‌خصوص که صرف‌نظر از کسری طاهری که درخشش در لیگ برتر را آغاز کرده، دیگر مهاجم جوان و قابلی نداریم که بتواند خط حمله تیم ملی در سال‌های آینده را بیمه کند.
شجاع خلیل‌زاده هم چنین شرایطی را داراست. او یکی از بهترین مدافعان لیگ برتر در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. اینکه بخواهیم، تنها به این بهانه که او ۳۷ سال دارد، از نامش بگذریم، کمی عجیب است. همین حالا در دنیای فوتبال، هستند بازیکنانی که نزدیک به ۴۰ سال دارند، اما در تیم‌های ملی کشورشان بازی می‌کنند و البته تأثیرگذار هم هستند. در خط دروازه نیز، علیرضا بیرانوند تقریباً بی‌رقیب است و البته موضوع مصدومیت، در توضیح عدم دعوت از او ارائه شده است. دروازه‌بانِ سابق تراکتور، قطعاً به اردو باز خواهد گشت؛ چرا که منتقدان، چنین نظری ندارند که بیرانوند در مقطع فعلی باید از تیم ملی کنار برود.
به نظر می‌رسد امیر قلعه‌نویی بالاجبار، قلم قرمز روی بازیکنان باتجربه کشیده است. اتفاقی که شاید نباید رخ می‌داد؛ چرا که لیگ ایران در ساخت و پرورش بازیکنان جوان، آنچنان که باید کارآمد نیست و به قول معروف، همچنان دود از کنده بلند می‌شود.
این ضرب‌المثل را می‌توان درباره احسان حاجی‌صفی، علیرضا بیرانوند، شجاع خلیل‌زاده و مهدی طارمی به‌کار برد. بازیکنانی که فاصله بسیاری با جانشین‌های جوانِ خود دارند و تنها به‌دلایلی خاص، از تیم ملی دور مانده‌اند.
عدم دعوت از بازیکنان باتجربه، فقط به دلیل حضور جوان‌ها و تغییر نسل نیست. در پسِ پرده، اتفاقاتی رخ داده که باعث شده تا این بازیکنان باتجربه، جایی در فهرست امیر قلعه‌نویی نداشته باشند. شاید چند روز دیگر، از دلایل این اتفاق پرده برداریم و شاید هم.... گذر زمان پرده‌ها را کنار خواهد زد و همه چیز را مشخص خواهد کرد. مختصر و مفید؛ بدانید که دلیلِ دعوت نشدنِ این بازیکنان، ماجراهایی دارد.

خبر

دعوت ژیمناست ها و مربی تبریزی به اردوی تیم ملی ژیمناستیک هنری جوانان



طرح‌نو؛ یونس نهاری
ایلیا رشتبری و معراج فرهمند، دو ورزشکار شایسته استان، به همراه حسین مهرداد مربی تبریزی به اردوی آماده‌سازی تیم ملی ژیمناستیک هنری جوانان دعوت شدند. ضمنا مربی تمرینی ایلیا رشتبری ارش حسن نژاد و معراج فرهمند حسین مهرداد می باشد. کتر هادی رضایی ریس هیت ژیمناستیک استان گفت این اردو در نیمه دوم آبان‌ماه سال جاری در تهران و با هدف آماده‌سازی ملی‌پوشان جهت اعزام به رقابت‌های جام آزاد شانگهای چین و جام ورونین مسکو برگزار خواهد شد.این مرحله از اردوی آماده‌سازی تیم ملی در سالن ژیمناستیک برادران شهید آذرپی تهران در حال برگزاریست حضور دارند.

خبر

گل هالیلوویچ در فهرست نامزد بهترین گل هفته سوم لیگ نخبگان



طرح‌نو؛ گروه ورزش
کنفدراسیون فوتبال آسیا فهرست نامزدهای بهترین گل هفته سوم لیگ نخبگان را منتشر کرد که در میان آنها گل تیبور هالیلوویچ، بازیکن تراکتور دیده می‌شود.
کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) در آستانه انتخاب بهترین گل هفته سوم لیگ نخبگان آسیا در فصل ۲۰۲۶–۲۰۲۷، چهارده گل را به عنوان نامزدهای این بخش معرفی کرد.
گل تیبور هالیلوویچ در دیدار تراکتور مقابل العین امارات در این فهرست قرار دارد. این بازیکن کروات در دقیقه ۵۵ و پس از برخورد شوت دانیال اسماعیلی‌فر به تیر دروازه، با ضربه‌ای دقیق از پشت محوطه جریمه گل تساوی تیمش را به ثمر رساند.
با این حال دیدار تراکتور برابر العین با شکست دو بر یک شاگردان نکونام همراه بود.
فهرست ۱۴ نامزد بهترین گل هفته سوم به شرح زیر است:
۱. یوسف النصیری (مقابل نفتچی ازبکستان)
۲. اکرم عفیف (مقابل القادسیه عربستان)
۳.ماتئوس گونسالوس (مقابل الغرافه قطر)
۴. رامی ربیعه (مقابل تراکتور ایران)
۵. تیبور هالیلوویچ (مقابل العین امارات)
۶. وسلی سعید (مقابل الهلال عربستان)
۷. ماتئوسائو (مقابل استقلال ایران)
۸. مارکو تولیو (مقابل نیوکاسل جتس استرالیا)
۹. لئو آرتور (مقابل شانگهای پورت چین)
۱۰. میگل کامپوس (مقابل کنگ آن هانوی ویتنام)
۱۱. استویچکوف (مقابل پورت تایلند)
۱۲. رن کوماتسو (مقابل دائجون هانا سیتیزن کره جنوبی)
۱۳. برونو موتا (مقابل بیجینگ چین)
۱۴. تاکاشی اوسامی (مقابل بوریرام تایلند)
نکته جالب این است که گل رامی ربیعه، بازیکن العین مقابل تراکتور هم در فهرست نامزد بهترین گل هفته سوم دیده می‌شود.

خبر

رئیس هیأت بدمینتون آذربایجان شرقی عضو هیأت رئیسه فدراسیون بدمینتون شد

طرح‌نو؛ یونس نهاری
محمد ارشد، رئیس هیأت بدمینتون آذربایجان شرقی، با حکم رئیس فدراسیون بدمینتون کشور به عنوان عضو هیأت رئیسه این فدراسیون منصوب شد.محمدرضا پوریا، رئیس فدراسیون بدمینتون جمهوری اسلامی ایران و نایب‌رئیس بدمینتون آسیا، طی حکمی محمد ارشد، رئیس هیأت بدمینتون آذربایجان شرقی را به عضویت هیأت رئیسه فدراسیون بدمینتون منصوب کرد.در این حکم، تخصص، تجارب و شایستگی‌های محمد ارشد و همچنین خدمات ارزشمند وی در عرصه بدمینتون کشور از جمله دلایل این انتصاب عنوان شده است.در بخشی از این حکم آمده است: «ضمن اظهار تشکر و قدردانی از زحمات و خدمات ارزشمند جنابعالی در عرصه بدمینتون کشور، با عنایت به تخصص، تجارب و شایستگی‌های جنابعالی، به موجب این ابلاغ به عنوان عضو هیأت رئیسه فدراسیون بدمینتون منصوب می‌شوید.محمد ارشد هم‌اکنون ریاست هیأت بدمینتون آذربایجان شرقی را بر عهده دارد و با این انتصاب، در ترکیب هیأت رئیسه فدراسیون بدمینتون کشور نیز حضور خواهد داشت.

گزارش

فرصت ویژه قلعه‌نویی به ۶ بازیکن؛ روز موعود برای حبیب، ادیب و رفقا



طرح‌نو؛ گروه ورزش
۶ بازیکن برای اولین‌بار فرصت حضور در اردوی ملی را به‌دست آورده‌اند و امیدوارند که بتوانند شایستگی‌های خود را اثبات کنند.
امیر قلعه‌نویی شب گذشته از فهرست جدید بازیکنان موردنظر خود برای حضور در اردوی ملی در مسیر برگزاری ۲ بازی دوستانه با تیم‌های ملی فلسطین و عراق رونمایی کرد. قلعه‌نویی تصمیم گرفت تا از ۲۹ بازیکن دعوت کند؛ البته که گفته می‌شود فهرست اولیه سرمربی تیم ملی، ۳۰ نفره بوده اما بعد از حواشی به‌وجود آمده برای امیرحسین محمودی و کنار گذاشته‌شدن او از تیم پرسپولیس به دلیل مسائل انضباطی، روی نام این بازیکن در تیم ملی هم خط قرمز کشیده شده و سرانجام فهرست نهایی تیم ملی برای فیفادی ماه نوامبر با حضور ۲۹ بازیکن اعلام شده است.
قلعه‌نویی تغییر و تحول گسترده‌ای در فهرست تیم ملی اعمال کرده و این‌طور اعلام شده که کادرفنی تیم ملی به دنبال «فراهم کردن فرصت بیشتر برای بازیکنان جوان‌تر و ارزیابی توانایی‌های آنان» بوده است. امیر در حالی به سراغ دعوت از ۲۹ بازیکن رفته که میانگین سنی نفرات دعوت شده حدود ۲۵.۵ سال است. نکته ویژه فهرست جدید تیم ملی اینکه از میان چهره‌های دعوت‌شده، ۶ بازیکن برای اولین‌بار فرصت حضور در اردوی ملی را به‌دست می‌آورند و مشخصاً انگیزه‌ای مضاعف دارند.

حبیب – ادیب؛ گلرهایی که می‌خواهند یکِ ایران شوند

حبیب فرعباسی در این فصل در درون دروازه استقلال خوش درخشیده و در شرایطی در ۱۵ بازی این فصل آبی‌پوشان به میدان رفته که توانست ۹ کلین‌شیت ثبت کند و ۸ گل خورده در کارنامه او دیده می‌شود. فرعباسی که یکی از عوامل موفقیت استقلال در فصل جاری لیگ برتر و لیگ نخبگان محسوب می‌شود، در فیفادی قبلی هم قرار بود در جمع گلرهای دعوت‌شده به تیم ملی باشد که مصدومیت سد راه او شد اما حالا سرانجام در ۲۹ سالگی، حبیب فرصت حضور در اردوی تیم ملی بزرگسالان را به‌دست آورده که امیدوار است بتواند خوش بدرخشد و در مسیر جانشینی علیرضا بیرانوند گام‌های بلندی بردارد.
کادرفنی تیم ملی در حالی از پیام نیازمند دعوت کرده و عنوان کرده که بیرانوند هم به دلیل مصدومیت دعوت نشده که هیچ توضیحی درباره حسین حسینی داده نشده و به نظر می‌رسد که غیبت او در فهرست جدید تیم ملی، به دلیل مسائل فنی است. در غیاب این گلر باتجربه، ادیب زارعیِ بلندقامت دیگر چهره‌ای است که به اردوی ملی فراخوانده شده؛ ادیبِ ۲۳ ساله در حالی در ۱۰ بازی، ۳ کلین‌شیت کرده و ۱۰ بار دروازه‌اش باز شده که رکورد ۸۳.۶۱ درصد سیو در فصل جاری را دارد و به طور میانگین در هر بازی، ۵ مهار موفق ثبت کرده و با ثبت چنین آمار و ارقامی، مترصد کسب فرصت بازی در تیم ملی است تا بتواند خودش را به کادرفنی اثبات کند و پله‌پله در مسیر پوشیدن پیراهن شماره یک تیم ملی ایران گام بردارد.

بالاخره طلسم رزاق‌پور شکسته شد

ابوالفضل رزاق‌پور، مدافع ۲۹ ساله و باتجربه فولاد خوزستان که فصل گذشته هم جزو مدعیان کسب عنوان بهترین پاسور فصل بود و در فصل جدید هم با یک گل و یک پاس گل کارش را پیش برده، سرانجام عملکردش به چشم کادرفنی تیم ملی آمد و به اردوی ملی دعوت شد. او در این فصل بدشانس بوده که فقط یک گل ساخته؛ چرا که ۲۲ بار همبازیان خود را در موقعیت گلزنی قرار داده اما فرصت‌سوزی آن‌ها باعث شده تا رزاق‌پور نتواند در جمع برترین پاسورهای فصل جای گیرد.
رزاق‌پور با این وجود، امید دارد که بعد از شکسته‌شدن طلسم حضورش در اردوی تیم ملی، بتواند خیلی زود اولین بازی ملی‌اش را هم انجام بدهد و رفته‌رفته در پست دفاع چپ، جایی‌که نفراتی مثل میلاد محمدی و احسان حاج‌صفی در سالیان اخیر به میدان رفته‌اند، جایگاهی ویژه برای خود در ترکیب تیم ملی دست‌وپا کند. حسین گودرزی و جعفر سلمانی دیگر بازیکنان دعوت‌شده به اردوی ملی در پست دفاع چپ هستند که سلمانی تجربه بازی ملی دارد اما گودرزی در زمانی‌که پیراهن شمس‌آذر را به تن می‌کرد، در شرایطی به تیم ملی دعوت شد که تنها تجربه‌اش، نیمکت‌نشینی در جدال با ترکمنستان در مسیر حضور تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۶ بود و حالا ستاره استقلال هم امید دارد که بتواند اولین بازی ملی‌اش را در فیفادی پیش‌رو انجام بدهد.

خوش‌تکنیک‌ها امیدوار به توجه امیر

اسماعیل قلی‌زاده، افشین صادقی و امیرحسین فارسی، ۳ وینگر خوش‌تکنیک و خوش‌آتیه فوتبال ایران هستند که به اردوی ملی دعوت شده‌اند و در شرایطی‌که هر ۳ بازیکن زیر ۲۱ سال هستند، برای نخستین‌بار می‌توانند در جمع بازیکنان بزرگسال حضور پیدا کنند. قلی‌زاده بعد از آسانی، موثرترین بازیکن این فصل استقلال بوده و هم در لیگ برتر و هم در لیگ نخبگان خوش درخشیده و صادقی هم با دریبل‌زنی‌های خود توانسته در کانون توجهات قرار گیرد؛ به‌طوری‌که در هر مسابقه به صورت میانگین، ۳ دریبل موفق برای صادقی ثبت شده است!
امیرحسین فارسی در حالی جوان‌ترین بازیکن دعوت‌شده به اردوی تیم ملی است که او در فصل جاری با ثبت ۴ گل و ۲ پاس گل، ستاره درخشان ترکیب خیبر خرم‌آباد بوده و حالا بعد از گذراندن روزهایی درخشان در جمع لرتباران، به دنبال درخشش در تیم ملی بزرگسالان است؛ آن‌هم در شرایطی‌که به صورت همزمان، نام فارسی در لیست تیم ملی جوانان هم جای گرفته اما با توجه به دعوت قلعه‌نویی، قرار است این پدیده جوان در جمع شاگردان امیر حضور پیدا کند که امیدوار است خیلی زود برابر فلسطین یا عراق بتواند اولین بازی ملی خود را هم انجام بدهد و در صف جوان‌ترین بازیکنان تاریخ تیم ملی جای گیرد.

شعر

بانوی دین



«آسمانی هستی اما، جسمت از جنس زمین است
گر چه روح مهربانت، با ملائک همنشین است
مثل آدم‌های خاکی، درد را می‌فهمی، آری
در جهان همزاد روحت، دردهای سهمگین است
بس که جانسوزست فصل دردهای بی‌بدیلت
رو به روی دردهایت، آه بانو! نقطه‌چین است
درد تو درد فدک نیست، شِکوه از نان و نمک نیست
ای شهید تهمت و کین! درد تو قرآن و دین است
چیست سهمت از جهان؟ غم، بیت‌الاحزانی فراهم
ای عزاتر از مُحرّم! سهمت از دنیا همین است
باز طوفان مصیبت، بر تو می‌تازد ز هر سو
از برای چیدن تو، باز ظلمت در کمین است
بال‌هایت سوخت بانو، در میان خشم آتش
بین دیوار و دری تو، لحظه‌های واپسین است
زخم‌های سینه سرخت، می‌کند رسوا ستم را
بر زبان زخم‌هایت، خطبه‌های آتشین است
سوختی، پرپر شدی تو، خاک و خاکستر شدی تو
سوختن، تقدیر شمع و مذهب پروانه این است
رفتی و مثل معما، مانده‌ای در ذهن دنیا
رَد پای داغ سرخت، پشت ابهام زمین است
کوثری، خیر کثیری، وارث بوی بهشتی
نام سبز و روشن تو: «فاطمه»، بانوی دین است»

شاعر: رضا اسماعیلی

یادداشتی برای ایام فاطمیه؛

فاطمه زهرا (س)؛ تجلّی بی‌نظیر حیا و سوگ بی‌انتهای دنیا

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – رقیه جمالی

اسم زهـــــرا آبروی عالم است
اسم زهرا چون نگین خاتم است
اسم زهـــــرا اشک دارد بی امان
اسم زهـــــرا فخر باشد بر جهان

این روزها حال و هوای شهر عوض شده است. آسمان شهر رنگ و بوی دیگری به خود گرفته است؛ گویی غبار اندوه بر چشمان جهان نشسته و آسمان، با رنگی از خاک سوگ، بر سر زمین سایه افکنده است. ایام فاطمیه ؛ به روزهای آخرش نزدیک می شود، روزهایی که در آن، زمان گویی از حرکت بازایستاده تا با رنج بی‌انتهای یک بانوی قدسی، هم‌نوایی کند.

در گوشه‌ی هر خانه و محفل، بوی مهربانی به مشام می‌رسد؛ بوی چای داغ که در میانه‌ی نوای عزاداری گرمای جمع را دوچندان می‌کند، و عطر غذای نذری از خانه‌های عزادار به مشام می‌رسد؛ گویی هر لقمه و هر جرعه، نمودی از آن احسان بی‌دریغ است که در یاد بخشندگی بانوی بزرگ جهان زنده مانده است. در میانه‌ی این هوای سرد و بارانی پاییزی، موکب‌های عزاداری همچون پناهگاه‌هایی از نور برپا شده‌اند. در این موکب‌ها، گرمای حضور یاد ایشان، جان‌ها را تسکین می‌دهد. بوی مهربانی از میان بخار آش و سوپ و ... برمی‌خیزد و گرمای چای، در میانه‌ی نوای تلخ نوحه، درد و غم روزهای شهادت حضرت زهرا (س) را تسکین می‌دهد. این‌ها تنها خوراک بدن نیستند، بلکه نمادی از آن احسان بی‌دریغ و پیوند دل‌ها در سوگ همگان هستند؛ گرمایی که در برابر سرمای بی‌رحم روزگار و باران پاییزی، تنها مأمن عزاداران است. در این فضا، صدای گریه و نوحه، در میانه‌ی این مه‌آلودگی، راه دل‌ها را باز می‌کند. مردم با چشمانی خیس، گویی می‌خواهند در لابلای این عزاداری، آنچه را که از آرامش در طول سال از دست داده‌اند، در آستانه‌ی حیا باز یابند. تک‌تک ما، با بسته‌هایی از حاجت‌های ناگفته، با دل‌هایی که از سختی‌های روزگار لرزیده، در پی آن نگاه مهربان هستیم که در تاریکی مطلق، راه رسیدن به حقیقت را باز می‌کند. فاطمه زهرا (س)، «پیوند بی‌مانند نور» است. او و پدرش، دو تجلی واحد



از رحمت بی‌کران الهی هستند؛ پیوندی چنان عمیق که گویی هر بار که پیامبر (ص) به دخترش می‌نگریست، در واقع به بازتاب سکون و آرامش آسمانی می‌نگریست و می گفت «فاطمه پاره تن من است».

یا ام ابیها، ای بانویی که نامت بر شکوه بی نظیر عفت و آبرویت گواهی می‌دهد. و حیا، همچون ردایی از نور، بر کالبد وجودت پوشیده است. یا زهرای بتول، حیا و پاکدامنی تو ، تنها یک صفت نبود، بلکه «مرز قداست» در میانه‌ی دنیای مادی بود؛ چنان که گویی جهان از جلال نگاهت شرمسار است. یا کوثر رسول خداو ای زکیه مرضیه، تو، معنای حیا را در کمال انسانیت رقم زدی؛ ای بانویی که عفت و پاکدامنی ات مرز میان زمین و آسمان است... اکنون، در سوگ تو ای بی‌نظیرترین بانوی هستی ، جهان در حیرت و اندوهی بی‌انتها غرق شده است. یا زهرا، ای مهد آرامش و آبرو در لابلای تلاطم بی‌رحم روزگار؛ تو؛ با ایستادگی، تنهایی خویش را به موازات عظمت حق، معنا بخشیدی. یا زهرا؛ ای که در هر تپش قلب ما، حضور داری و نگاه پرمهرت، شاه کلید گشایش درهای بسته است. وقتی در میانه‌ی طوفان‌های زندگی، سنگینی بار مشکلات را حس می‌کنیم، به یاد آن صبر سترگ و آن وقار بی‌نظیر تو، پناه می‌آوریم. ای صدیقه طاهره، در تلاطم سختی‌ها و تنهایی‌ها ، با نام تو دلگرم می‌شویم، و با امید گره‌گشایی به تو توسل می کنیم و به لطف و محبت تو دخیل می بندیم به حق عصمت و آبروی خود، کمکمان کن تا از شر شیطان و دشمنان دین و اسلام و ایمان در امان بمانیم.

ای خدای مهربان، ای پناه مظلومان، ای صاحب تمام کائنات ؛ در این ایام پرنور و پراندوه، از تو می‌خواهیم که بر سر این جهان بی‌قرار، سایه‌ی رحمت و صلح خود را بگسترانی و این خاک را از غبار ناآرامی ها پاک گردانی. خدایا، به حق مظلومیت آن بانوی پاک، گره از مشکلات ما بگشا، تمام مریض هایمان را شفا بده، دستمان بگیر و بلندمان کن ، دشمنان دین و میهن عزیزمان را نابود کن. ما را از حیا و آبروی بینظیرترین بانوی عالم، بی‌نصیب مگذار تا در این دنیای پرآشوب، همواره با وقار و آرامش گام برداریم.آمین

روایت آرزوهای ناتمام دختران شهید میناب در «یک گروه خطرناک» منتشر شد

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

کتاب کودک «یک گروه خطرناک» نوشته حامد اشتری، با محوریت روایت زندگی و آرزوهای چند تن از دختران شهید مدرسه شجره طیبه میناب، از سوی انتشارات نوشکا منتشر شد.

کتاب «یک گروه خطرناک» اثر حامد اشتری، با نگاهی متفاوت و روایتی داستانی، روزهایی از زندگی دختران شهید مدرسه شجره طیبه میناب را برای مخاطبان کودک روایت می‌کند.

این کتاب با تمرکز بر استعدادها، توانایی‌ها و علایق فردی دختران، تصویری از زندگی روزمره آن‌ها در فضای مدرسه ارائه می‌دهد؛ از دختری که کاپیتان تیم فوتبال کلاس است تا دانش‌آموزی که با هسته خرما وسایل زینتی می‌سازد و دیگری که مسئولیت نظافت کلاس را برعهده دارد. هرکدام از این دختران ویژگی و هنری منحصربه‌فرد دارند و در کنار یکدیگر، دنیایی سرشار از دوستی، نشاط و آرزو را شکل داده‌اند.

داستان با روایتی ایهام‌گونه پیش می‌رود و در ادامه، با وقوع حمله موشکی به مدرسه، سرنوشت تلخ این دختران را به تصویر می‌کشد. در این میان، دیوار آرزوها به یکی از عناصر محوری داستان تبدیل می‌شود؛ دیواری که پس از ویرانی مدرسه همچنان کاغذهای حاوی آرزوهای دانش‌آموزان را بر خود حفظ کرده است.

نویسنده در این اثر تلاش کرده است با زبانی متناسب با مخاطب کودک، ضمن بازنمایی معصومیت و مظلومیت دختران شهید، بر جنایت دشمن و ناتمام ماندن آرزوهای آن‌ها تأکید کند. باقی ماندن دیوار آرزوها نیز نمادی از امید، رؤیاها و مسیری است که با وجود این حادثه تلخ، همچنان پیش روی نسل آینده قرار دارد.

در بخشی از کتاب «یک گروه خطرناک» می‌خوانیم:

زهرا، دوستم، دانشمند هسته‌ای بود. پدر زهرا نخلستان داشت. او همیشه از نخل‌های پدرش برای همهٔ ما خرما می‌آورد و می‌گفت بعد از خوردن خرما، هسته‌ها را جمع کنیم و به خودش بدهیم. زهرا با مادرش هسته‌ها را سوراخ می‌کردند و برایمان گردن‌بند و تسبیح درست می‌کردند. همین شد که بچه‌ها اسمش را گذاشتند دانشمند هسته‌ای.

این‌ها همه شوخی بود، تا قبل از حملهٔ دشمن. روزی که دشمن با موشک مدرسهٔ ما را زد، همهٔ شوخی‌ها جدی شد.

موشک اول را که زد، هنوز خیلی‌هایمان زنده بودیم. یک گوشهٔ مدرسه پناه گرفتیم تا نیروی‌های امداد برسند. خیلی نگذشت که دشمن موشک دوم را زد.



دشمن فرماندهان را پیدا کرده بود: دانش‌آموزان ۷ تا ۱۲ساله.

«یک گروه خطرناک» نوشته حامد اشتری که برای گروه سنی ۷ تا ۹ سال نوشته شده در ۲۴ صفحه، در قطع خشتی با شمارگان هزار نسخه و با قیمت ۱۵۰ هزار تومان به همت انتشارات نوشکا روانه بازار نشر شد.

هفت شهید را غسل داد و دعا کرد؛ هشتمین شهید خودش بود



طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

نویسنده «مثل حسین» به واکاوی حیاتِ معنوی و ویژگی‌های اخلاقی شهید حسین اجاقی پرداخته و روایتی از فرمانده‌ای ارائه می‌دهد که نفوذِ کلام و رقتِ قلبش، او را در میان یاران متمایز کرده بود.

پروانه نوری، از نویسندگان مجموعه کتاب‌های «قصه فرماندهان»، در تشریح روند تدوین کتاب «مثل حسین» درباره شهید حسین اجاقی، از مسیرِ پژوهشیِ خود برای گردآوری خاطرات همرزمان و خانواده این شهید سخن گفت. او ضمن بازخوانیِ ویژگی‌های اخلاقی این فرمانده، از روایتی تکان‌دهنده پرده برداشت که در آن، دعای شهید بر ای شهادتی شبیه به سرور و سالار شهیدان و بی‌نیازی از غسل و کفن، در نهایت به حقیقت پیوست.

از قصه فرماندهان تا ثبت خاطرات شهید اجاقی

نوری درباره روند نگارش کتاب «مثل حسین» تشریح کرد: دو کتابم در مجموعه «قصه فرماندهان» به چاپ رسیده است. اولی برای شهید سید محمدسعید جعفری بود با نام «غریب غرب» که مهر ماه ۱۴۰۴ چاپ شد؛ کتابی درباره اولین فرمانده سپاه غرب و استان کرمانشاه. همزمان با نگارش «غریب غرب»، در حال مصاحبه با همسر شهید مجید زارعی بودم که خواهر شهید حسین اجاقی هم هست. چون خاطرات خانم اجاقی را از دوران کودکیشان گرفتم، در طی مصاحبه‌ها خواه ناخواه برادرش حسین هم روایت شد. با اتمام خاطرات خانم اجاقی فکر کردم حیف است حالا که بخشی از خاطرات شهید حسین را در اختیار دارم، برایش کار جداگانه‌ای انجام ندهم. این بود که به سراغ همرزمانش رفتم و با استفاده از خاطرات همرزمان، سایر اعضای خانواده، اسناد، پایگاه‌های اطلاعاتی و منابع مستند دیگر، خاطراتش را کامل کردم و «مثل حسین» را در قالب قصه فرماندهان نوشتم.

ویژگی‌های اخلاقی شهید، از رقّت قلب تا نفوذ کلام

نوری درباره ویژگی‌های شهید اجاقی گفت: اکثر شهدا یکسری خصوصیات مشابه داشته‌اند. از جمله سادەزیستی، اهل دعا و عبادت، اخلاص و شجاعت. شهید حسین اجاقی علاوه بر این موارد، خصوصیاتی دارد که من آنها را خیلی دوست دارم. مهمترینش اینکه او انسانی بسیار «رقیق‌القلب» بوده و چشم‌هایش یاری‌کننده قلبش بوده است. طبق آنچه اطرافیان، دوستان و همرزمانش می‌گفتند او در عبادت‌هایش بسیار اشک می‌ریخته. طوری که در زمان شنیدن خاطراتش قصد داشتم عنوان کتابش را «معجزه اشک» بگذارم، اما در نهایت «مثل حسین» انتخاب شد.

او افزود: شهید اجاقی خیلی دلسوز بوده و از همان ابتدای جوانی «نفوذ کلام» داشته و تأثیرگذار بوده است. به عنوان مثال، گاهی که زن و شوهری مشکل یا بحث و جدلی با هم داشتند، وقتی شهید حسین با آنها صحبت و پادرمیانی می‌کرده، با هم آشتی می‌کردند. یا مثلاً زمانی که هنوز نوجوان بوده، طی صحبتی که در خصوص حجاب با معلم دبستان خواهرش داشته، روی او تأثیر گذاشته و نظرش را در مورد حجاب تغییر داده است.

این نویسنده افزود: شهید اجاقی همیشه خیرخواه دیگران بوده و به گفته نزدیکان، اصلاً دوست نداشته منزلشان از میهمان خالی باشد. او هر بار که از جبهه می‌آمده، تعدادی از همرزمانش را با خودش به خانه می‌آورده و در اتاقی که در حیاط داشته، میزبانی آنها را می‌کرد. او هیچ چیزی را برای خودش به تنهایی نخواسته و همیشه هر چه داشته را با دیگران تقسیم کرده است. این موارد از خصوصیاتی بوده که در کتاب بیشتر بر آنها تاکید کرده‌ام.

خاطره‌ای از عملیات عاشورا و قضاوت‌های سخت

او در خصوص خاطره‌ای که در کتاب هم به آن پرداخته، شرح داد: شهید اجاقی در عملیات عاشورا فرمانده گردان حُنین بود؛ عملیاتی در منطقه میمک ایلام که موفقیت‌آمیز نبود و بسیاری از نیروهایش شهید شدند. مجیدزارعی، همسر خواهرش که تنها یک ماه از عقدشان گذشته بود و معاونش بود، در این عملیات مفقود می‌شود وحسین اجاقی هم از ناحیه سر مجروح می‌شود. از آن عملیات به بعد، شهید اجاقی خیلی اذیت شده و زندگی را به خود بسیار سخت می‌گرفته است. او از اینکه هم اکثر نیروهایش شهید شده بودند و هم خودش توفیق شهادت نداشته، ناراحت بود. مخصوصاً، در حضور خواهرش سعی می‌کرد از همسرش فاصله بگیرد، با او بیرون نمی‌رفته و حتی او را تا منزل مادرش که فقط دو کوچه تا خانه‌شان فاصله داشته، همراهی نمی‌کرده؛ مبادا دل خواهرش بشکند.

نوری ادامه داد: حسین اجاقی در خانه خودش و با همسر و خانوادهاش اینگونه زند گی را به خود سخت میگرفت و فقط کنار مزار دوستان شهیدش به آرامش می‌رسید، اما آنجا هم یکبار که سر مزار یکی از شهدای میمک نشسته و اشک میریخت، مادر شهید از راه می‌رسد و دو دستی بر سر او که باندپیچی شده میکوبد و می‌گوید: چطور خودت سالم ماندی، ولی پسر من و خیلی از رزمندگان شهید شدند! شهید حسین با چشمان خیس فقط سکوت می‌کند و از دوستانی که همراهش بودند می‌خواهد دخالت نکنند و اجازه بدهند مادر شهید راحت باشد. می‌گوید خانواده‌های شهدا حق دارند. چون داغ دیده‌اند. شنیدن این خاطره خیلی من را اذیت کرد.

نوری درباره علت انتخاب این عنوان برای کتابش عنوان کرد: می‌خواستم نام کتاب را «معجزه اشک» بگذارم. به همان دلیل که گفتم زیاد گریه میکرده، ولی وقتی عکس پیکرش را دیدم و داستان شهادتش را نوشتم، نظرم تغییر کرد و «مثل حسین» را برای این کتاب انتخاب کردم.

این نویسنده درباره شهادت حسین اجاقی بیان کرد: شهید اجاقی در زمان حیاتش هفت شهید را غسل و کفن کرده و به گفته پدر یکی از شهدا، بعد از غسل و کفن هفتمین شهید، در غسالخانه رو به قبله دعا میکند:

«خدایا! این آخرین شهیدی باشد که غسل دادم و دفعه بعد خودم طوری شهید شوم که حتی قابل غسل و کفن هم نباشم!» در جای دیگری هم دعا می‌کند در نزدیکترین نقطه به حرم امام حسین علیه‌السلام شهید شود. اتفاقاً دعایش مستجاب می‌شود و ۱۶ تیر ماه ۱۳۶۵ زمانی که دخترش دقیقاً یک ماهه بوده، در عملیات کربلای یک در ارتفاعات قلاویزان (جبهه مهران) شهید می‌شود. به گفته همرزمانش پیکرش طوری از هم پاشیده و له شده بود که برای انتقالش نایلون بزرگی را با احتیاط از زیر پیکرش رد می‌کنند و او را در نایلون می‌پیچند. سرش کاملاً متلاشی شده و چون پیکرش قابل غسل دادن نبوده، به توصیه امام جمعه وقت، با همان لباس‌های خاکی تکه تکه شده او را کفن و به دل خاک می‌سپارند.

نوری افزود: از آنجا که سوم شعبان به دنیا آمده، نامش حسین بود و سر و پیکرش هم مانند امام حسین علیه‌السلام تکه تکه شده، مطمئن شدم که عنوان «مثل حسین» مناسب و زیباتر است.

برشی‌هایی از کتاب مثل حسین:

فراز فراز زیارت عاشورا را خواندم. لابلایش هم روضه. انگار انبار باروتی بود که در آن کبریت انداخته باشی. شانه‌هایش می‌لرزید و هق‌هق گریه‌اش پیچیده بود توی فضای خالی حسینیه. شور و حالش حال مرا هم دگرگون کرد. زیارت عاشورا که تمام شد، من مداحی کردم و او سینه زد. چنان محکم به سینه می‌زد که خیال می‌کردم حسینیه پر از سینه‌زن است.

عزاداریمان آنقدر طولانی شد که قرص آفتاب پشت کوه‌های مغرب پنهان شد. با چفیه مشکی دور گردنش صورت خیسش را پاک کرد. گفتم: «تقبل الله!»

خدا خیرت بده رضا. دمت گرم!

خدا تو رو خیر بده که بانی خیر شدی.

روضه و اشک، مثل یک داروی تقویتی به او نیرو میبخشید.

یکدفعه شیطنتم گل کرد. خواستم کمی سر به سرش بگذارم. با یک حالت دلخوری مصنوعی گفتم: «پس میخوای مهریه ندی آقا!» کمی به جلو خم شد و با تعجب گفت: «ها!؟ کی گفته من مهریه نمیدم؟»

یک قاچ سیب دادم دستش و گفتم: «کی بود تو دفترخانه، وقتی حاج آقا خرمشاهی گفت: «پونصد هزار تومن برای بسیجی مهریه سنگینیه»، گفت: «حاج آقا ما که زنده نمی‌مانیم تا مهریه بدیم! « » خندید و با کف دست زد به پیشانی‌اش: «آخ! اونو میگی!؟

لب و لوچه‌ام را کج کردم و با همان حالت، مثلاً دلخور، گفتم: «آره! اونو میگم آقای بسیجی. »

یک قاچ سیب به طرفم گرفت و گفت: «زینب جان! اون حرف‌ها شوخی بود! شوخی یه داماد بسیجی که میخواست خودشو برای عروس شیرین کنه. حتی اگه زنده هم نمونم، سفارش می‌کنم مهریه‌ات رو تقدیمت کنن!» / مهر

«راز ساقی» خوانشی تازه از غزل‌های حافظ منتشر شد

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر

کتاب «راز ساقی» نوشته مصطفی شاهرضایی در ۱۲۷ صفحه رقعی از سوی نشر نیستان هنر منتشر و روانه بازار کتاب شد.

این کتاب با تمرکز بر برخی از غزل‌های حافظ، به بازخوانی ظرافت‌های معنایی شعر او در پرتو مفاهیم قرآنی و سنت شعر فارسی می‌پردازد. نویسنده در این اثر تلاش کرده است با بررسی ارتباط میان واژگان، تصاویر و مفاهیم در غزل‌های حافظ، لایه‌های کمتر دیده‌شده‌ای از شعر این شاعر نامدار را آشکار کند.

در «راز ساقی»، برخی ابیات حافظ در ارتباط با دیگر بخش‌های همان غزل یا غزل‌های دیگر بررسی شده‌اند تا پیوندهای معنایی و مفهومی میان آن‌ها روشن شود. همچنین شخصیت ساقی در شعر حافظ از منظرهای مختلف مورد توجه قرار گرفته و مفاهیمی همچون معرفت، بخشندگی، جوانمردی و عدالت در پیوند با تصاویر و مضامین شاعرانه تحلیل شده‌اند.

شاهرضایی در این اثر می‌کوشد نشان دهد که چگونه حافظ با بهره‌گیری از واژگان و تصاویر آشنا، معانی گسترده‌تری را در شعر خود جای داده است؛ به‌گونه‌ای که بازخوانی دقیق ابیات می‌تواند دریچه‌های تازه‌ای برای فهم غزل‌های او پیش روی مخاطب بگشاید.

کتاب «راز ساقی» در ۱۲۷ صفحه و قطع رقعی توسط نشر نیستان هنر منتشر شده و اکنون در دسترس علاقه‌مندان به شعر و ادبیات فارسی قرار دارد.

شناسه آگهی: ۲۳۲۰۴۹۰ — **روزنامه طرح نو**

شماره : ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۰۷۰۱۱۸۳۶
تاریخ : ۱۴۰۵/۰۶/۰۵

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرای شماره۵۹۱۲/۵۹۱۳/۱۴۰۵و۱۴۰۵/ ۵۹۱۶هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی

۱-آقای خدایار جمشیدی آقکند فرزند هدایت اله به شماره شناسنامه ۲۰۹ صادره از میانه به کلاسه ۱۴۰۴/۲۴۵۷ در دودانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۳۲۶.۴۴ مترمربع از پلاک ۱۳۳- اصلی واقع در بخش ۱۹ کاغذکنان حوزه ثبت ملک میانه شهر آقکند خریداری از وراث مرحوم هدایت‌اله جمشیدی محرز گردیده است.

۲- آقای شعبان صباحی فرزند عبد اله به شماره شناسنامه ۱۵۸ صادره از میانه به کلاسه ۱۴۰۴/۲۴۵۹در دودانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۳۲۶.۴۴ متر مربع از پلاک ۱۳۳- اصلی واقع در بخش ۱۹ کاغذکنان حوزه ثبت ملک میانه شهر آقکند خریداری از آقای عبداله صباحی محرز گردیده است.

۳- آقای ابراهیم کریمی آقکند فرزند حجه‌اله به شماره شناسنامه ۱۶۸۶ صادره از میانه به کلاسه ۱۴۰۴/۲۴۶۱در دودانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۳۲۶.۴۴ متر مربع از پلاک ۱۳۳- اصلی واقع در بخش ۱۹ کاغذکنان حوزه ثبت ملک میانه شهر آقکند خریداری از وراث مرحوم آقای حجت اله کریمی محرز گردیده است

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۸/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۹/۰۴

نادر یاغموری
رئیس ثبت اسناد و املاک میانه

شناسه آگهی : ۲۳۲۲۱۸۱ — **روزنامه طرح نو**

شماره : ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۰۷۰۱۷۳۵۴
تاریخ : ۱۴۰۵/۰۸/۱۶

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرای شماره ۱۴۰۵/۱۴۷۲۳ و ۱۴۰۵/۱۴۷۳۲هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی

۱-آقای رحیم مهری قلجچلوئی فرزند حاج آقا بشماره شناسنامه ۴۰۱ صادره از میانه به کلاسه ۱۴۰۵/۰۷۳۴در ششدانگ یک باب خانه مخروبه به مساحت ۱۳۳۱.۴۷ متر مربع از پلاک شماره ۳۱ اصلی واقع در آذربایجان شرقی بخش ۴۱ تبریز حوزه ثبت ملک میانه روستای قلیجچی خریداری از آقای رحیم مهری قلیجچی محرز گردیده است.

۲- خانم گلناز مهری فرزند رحیم بشماره شناسنامه ۹۲۲ صادره از میانه به کلاسه ۱۴۰۵/۰۷۳۵ در ششدانگ یک قطعه چهار دیواری محصور به مساحت ۱۵۹.۸۰ متر مربع از پلاک شماره ۳۱ اصلی واقع در آذربایجان شرقی بخش ۴۱ تبریز حوزه ثبت ملک میانه روستای قلیجچی خریداری از آقای رحیم مهری قلیجچی محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۸/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۹/۰۴

نادر یاغموری
رئیس ثبت اسناد و املاک میانه

شناسه آگهی : ۲۳۱۹۸۱۸ — **روزنامه طرح نو**

شماره : ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۰۷۰۱۶۷۷۵
تاریخ : ۱۴۰۵/۰۸/۰۶

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵/۱۵۶۸۸هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم اکرم صفائی رشیدآباد فرزند محراب بشماره شناسنامه ۵۵۱ صادره از میانه به کلاسه ۱۴۰۵/۰۵۹۶در شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۱۴۶.۶۶ متر مربع از پلاک ۷۲- اصلی واقع در بخش ۱۹ کاغذکنان حوزه ثبت ملک میانه اراضی روستای رشیدآباد خریداری از حصر وراثت و تقسیم نامه محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۸/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۹/۰۴

نادر یاغموری
رئیس ثبت اسناد و املاک میانه

شناسه آگهی: ۲۳۲۲۲۷۰ — **روزنامه طرح نو**

شماره : ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۰۷۰۱۵۱۹۱
تاریخ : ۱۴۰۵/۰۷/۱۵

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۴/۲۳۶۸۰هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خانم ثریا قربانی فرزند عشقعلی بشماره شناسنامه ۱۶۵ صادره از میانه به کلاسه ۱۴۰۴/۲۵۳۸ درشش دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۰۰.۷۰ متر مربع از پلاک ۴ فرعی از یک اصلی واقع در بخش ۳۷ تبریز حوزه ثبت ملک میانه خریداری از آقای حسن علیزاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۸/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۹/۰۴

نادر یاغموری
رئیس ثبت اسناد و املاک میانه

شناسه آگهی : ۲۳۲۰۴۷۸ — **روزنامه طرح نو**

شماره : ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۰۷۰۱۷۲۷۴
تاریخ : ۱۴۰۵/۰۸/۱۳

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵/۱۶۵۵۹هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن مغربی برانقار فرزند امرعلی بشماره شناسنامه ۸ صادره از میانه به کلاسه ۱۴۰۵/۱۰۸۸در سه دانگ عرصه و شش دانگ اعیان یک باب ساختمان به مساحت ۵۸.۳۰ متر مربع از پلاک چهار فرعی از یک اصلی واقع در بخش ۳۷ تبریز حوزه ثبت ملک میانه خریداری از آقای عبدالله صباحی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۸/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۹/۰۴

نادر یاغموری
رئیس ثبت اسناد و املاک میانه

آگهی مناقصه (نوبت اول)

شهرداری جلفا

شهرداری جلفا در نظر دارد به استناد مصوبه شورای اسلامی محترم شهر جلفا بند یک مصوبه مورخه ۱۴۰۵/۶/۱۶ **عملیات آسفالت بلوار آمیکو و خیابانهای منتهی به آن در سطح شهر جلفا** را از طریق **مناقصه عمومی** و با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) با مبلغ پایه **۱۱۶/۳۳۷/۸۰۸/۴۴۰ ریال** بشرح ذیل واگذار نماید.

بدینوسیله از پیمانکاران دارای حداقل رتبه ۵ راه و راه آهن و باند فرودگاه از سازمان مدیریت و برنامه ریزی دعوت می‌شود در صورت تمایل **تا ساعت ۱۳/۰۰ مورخه ۱۴۰۵/۹/۱۰** ضمن مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir و مطالعه شرایط مناقصه و اسناد مربوطه که در سایت بارگذاری شده است در مناقصه شرکت نمایند.

اطلاعات زمانی:

تاریخ نمایش در سایت	از تاریخ ۱۴۰۵/۸/۲۰	ساعت ۰۹:۰۰	تا تاریخ ۱۴۰۵/۹/۱۰	ساعت ۱۳:۰۰
مهلت بازدید	از تاریخ ۱۴۰۵/۸/۲۰	ساعت ۰۹:۰۰	تا تاریخ ۱۴۰۵/۸/۳۰	تا ساعت ۱۳:۰۰
مهلت ارائه پیشنهاد	از تاریخ ۱۴۰۵/۸/۲۰	ساعت ۰۹:۰۰	تا تاریخ ۱۴۰۵/۹/۱۰	تا ساعت ۱۳:۰۰

دریافت اسناد مناقصه	تا تاریخ ۱۴۰۵/۸/۳۰	ساعت ۱۳:۰۰
زمان بازگشایی	تاریخ ۱۴۰۵/۹/۱۱	ساعت ۱۰:۰۰
زمان اعلام برنده	تاریخ ۱۴۰۵/۹/۱۴	ساعت ۱۲:۰۰

روزنامه طرح نو شناسه آگهی: ۲۳۲۲۱۶۷ م الف: ۱-
تاریخ انتشار مرحله دوم - چاپ اول : ۱۴۰۵/۸/۲۰ تاریخ انتشار مرحله دوم - چاپ دوم : ۱۴۰۵/۸/۲۷

شهرداری جلفا

شناسه آگهی : ۲۳۱۱۹۶۵ — **روزنامه طرح نو**

شماره نامه: ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۸۵۶۷
تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۵/۰۷/۲۹

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت دوم)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۵۰۰۷ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شبستر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای /خانم شهرام خلیلی فرزند خلیل بشماره شناسنامه ۱۵۱ صادره از در ششدانگ یک باب باغ به مساحت ۱۰۱۳ متر مربع قسمتی از اراضی ترپ سنگ ۱۸ اصلی واقع در بخش ۲۱ شهرستان تبریز واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شبستر محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۸/۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۸/۲۰

صمد خاکپور اقدم
رئیس ثبت اسناد و املاک شبستر

شناسه آگهی : ۲۳۱۲۱۹۷ — **روزنامه طرح نو**

شماره نامه: ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۱۳۰۲۸۸۹۴
تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۵/۰۸/۰۲

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت دوم)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۱۳۰۱۵۱۹۷ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شبستر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم علی بابائی امند فرزند اصغر بشماره شناسنامه ۶۲۳۰۰۶۰۶۷۱ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۶۰.۲۰ متر مربع قسمتی از اراضی امند سنگ ۳ اصلی واقع در بخش ۲۱ شهرستان تبریز واقع در آذربایجان شرقی بخش حوزه ثبت ملک شبستر محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۸/۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۸/۲۰

صمد خاکپور اقدم
رئیس ثبت اسناد و املاک شبستر

گزارش

بررسی بازتعریف هویت ملی در سایه‌ی مقاومت؛

«سید مقاومت» و ملت‌سازی در لبنان

طرح نو؛ سردبیر

شهید سید حسن نصراله، دبیرکل پیشین حزب‌اله لبنان، نقشی بی‌بدیل در تحولات سیاسی، اجتماعی و هویتی لبنان در دهه‌های اخیر ایفا کرد. او با هدایت استراتژیک و فرهمندی خود، حزب‌اله را از یک حرکت صرفاً شیعی به محوری قدرتمند در گفتمان مقاومت ملی در سطح لبنان و منطقه تبدیل نمود. این مقاله به بررسی نقش کلیدی سید مقاومت در بازتعریف هویت ملی لبنان، ایجاد انسجام اجتماعی در جامعه چندطایفه‌ای این کشور، تقویت مشروعیت داخلی حزب‌اله و میراث ماندگار او در ابعاد مختلف می‌پردازد.

از حرکت طایفه‌ای تا محور مقاومت ملی در ۳ پرده

حزب‌اله لبنان در سال‌های ابتدایی خود، هرچند با الهام از انقلاب اسلامی ایران، اما در چارچوب اولویت‌های داخلی و اجتماعی جامعه شیعه این کشور شکل گرفت. این سازمان در ابتدا بیشتر به عنوان یک نیروی سیاسی و نظامی در خدمت منافع طایفه‌ای و منطقه‌ای شیعه تلقی می‌شد. اما با رهبری مدبرانه سید حسن نصراله، تحول شگرفی در این سازمان رخ داد. او با درک عمیق از پیچیدگی‌های جامعه لبنان و تهدیدات خارجی، توانست رویکردی فراگیر و ملی‌گرایانه را در حزب‌اله پیاده کند.

پرده‌ی اول: نصراله با هوشمندی، گفتمان مقاومت را از چارچوب صرفاً دفاع از حقوق شیعیان فراتر برد و آن را به گفتمان دفاع از تمامیت ارضی لبنان، استقلال ملی و مقابله با اشغالگری خارجی تبدیل کرد. این تغییر رویکرد، نه تنها باعث جذب نیرو و حمایت از سایر طوایف لبنانی شد، بلکه پایگاه اجتماعی حزب‌اله را به طرز چشمگیری گسترش داد. او با تأکید بر اشتراکات ملی در برابر دشمن مشترک، توانست پیوندهای هویتی فراتر از مرزهای طایفه‌ای را تقویت کند.

پرده‌ی دوم: پایان اشغال جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰، نقطه عطفی در تاریخ معاصر این کشور بود. این پیروزی که با فرماندهی و هدایت سید حسن نصراله به دست آمد، نه تنها یک دستاورد نظامی بزرگ محسوب می‌شد، بلکه پیامدها و تأثیرات عمیقی بر هویت ملی لبنان داشت. این پیروزی، اسطوره شکست‌ناپذیری اسرائیل را در هم شکست و غرور ملی را در میان تمام لبنانی‌ها زنده کرد. احساس مشترک «ما توانستیم» در میان تمام اقشار جامعه، فراتر از اختلافات طایفه‌ای، شکل گرفت.

پرده سوم: جنگ ۳۳روزه اوج توانمندی حزب‌اله و رهبری سید نصراله بود. در این نبرد، حزب‌اله توانست با اتکا به توان نظامی خود و همچنین انسجام اجتماعی که پیش از آن ایجاد کرده بود، در برابر ارتش قدرتمند اسرائیل ایستادگی کند و به پیروزی دست یابد. این پیروزی، علاوه بر تثبیت بازدارندگی نظامی در برابر اسرائیل، دستاوردهای مهمی در زمینه ملت‌سازی داشت. از جمله؛

تقویت احساس غرور ملی: پیروزی در برابر اسرائیل، باعث شد تا لبنانی‌ها احساس کنند که قادر به دفاع از خود در برابر قدرتمندترین ارتش منطقه هستند. این احساس، شکاف‌های هویتی را کم‌رنگ و همبستگی ملی را تقویت کرد.

ایجاد احساس مشترکِ استقلال و کرامت: مقاومت و پیروزی در برابر اشغال، به نمادی از استقلال و کرامت ملی برای تمام لبنانی‌ها تبدیل شد. این احساس مشترک، فراتر از اختلافات طایفه‌ای، وحدت ملی را در عمل نشان داد.

تثبیت نقش مقاومت به عنوان حافظ هویت ملی: در این جنگ، مقاومت به عنوان ابزاری برای دفاع از خاک و مردم لبنان، جایگاه ویژه‌ای در ذهنیت جمعی یافت. این مفهوم، از یک نیروی نظامی به بخشی از حافظه تاریخی و هویت ملی تبدیل شد.

نگاهی به جامعه‌ی چندطایفه‌ای لبنان

لبنان کشوری با تنوع قومی، مذهبی و طایفه‌ای گسترده است. این تنوع، ضمن غنا بخشیدن به فرهنگ و جامعه‌ی لبنان، همواره چالش‌هایی را در زمینه وحدت ملی و همبستگی اجتماعی ایجاد کرده است. در چنین فضایی، نقش سید حسن نصراله در تبدیل مقاومت به یک سرمایه هویتی مشترک، بسیار حائز اهمیت بود.

سید نصراله با درک این پیچیدگی، تلاش کرد تا گفتمان مقاومت را به گفتمانی فراگیر تبدیل کند که بتواند تمامی طوایف لبنانی را در بر گیرد. او با تأکید بر منافع ملی مشترک و تهدیدات خارجی که همه را تهدید می‌کند، توانست بسیاری از لبنانی‌ها، از جمله مسیحیان و دروزی‌ها، را با آرمان مقاومت همسو سازد. این همسویی، یکی از بزرگترین دستاوردهای ملت‌سازی او بود.

نتیجه این رویکرد، ایجاد انسجام کم‌نظیر در جامعه چندطایفه‌ای لبنان بود. در دوران رهبری او، شاهد بودیم که مقاومت به نمادی از اتحاد و همبستگی ملی تبدیل شد. این انسجام، نه تنها در پیروزی‌های نظامی، بلکه در مقاطع حساس سیاسی و اجتماعی نیز نمود پیدا می‌کرد. این امر، یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های هویتی لبنان در برابر چالش‌های داخلی و خارجی محسوب می‌شد.

یکی از چالش‌های همیشگی حزب‌اله، اتهام وابستگی خارجی و تضعیف مشروعیت داخلی آن بود. سید حسن نصراله با پیوند استراتژیک سیاست منطقه‌ای حزب‌اله با منافع ملی لبنان، توانست این روایت را به چالش بکشد. او با نشان دادن اینکه چگونه مقاومت می‌تواند حافظ منافع لبنان در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی باشد، مشروعیت داخلی حزب‌اله را تقویت کرد. او توانست با موفقیت، مقاومت را به عنوان یک نیروی ملی در خدمت لبنان معرفی کند، نه صرفاً یک بازوی نیابتی.

مناقشه‌ی خلع سلاح و نمادگرایی مقاومت

یکی از موضوعات همواره مناقشه برانگیز در فضای سیاسی لبنان، مسئله‌ی سلاح مقاومت بوده است. در این میان، دیدگاه سید حسن نصراله و حزب‌اله، مبنی بر اینکه سلاح مقاومت صرفاً یک ابزار نظامی نیست، بلکه نمادی از هویت و حافظه پیروزی‌های ملی است، جایگاه ویژه‌ای در گفتمان ملت‌سازی لبنان پیدا کرد.

در مناقشات داخلی لبنان، بسیاری خواهان خلع سلاح مقاومت بودند و آن را مخل نظم داخلی و حاکمیت دولت می‌دانستند. اما سید حسن نصراله با استدلال‌های قوی، این سلاح را نه صرفاً ابزار نظامی برای دفاع از کشور در برابر دشمن خارجی، بلکه نمادی از اراده ملی، حافظه پیروزی‌های بزرگ و تضمین‌کننده کرامت و استقلال لبنان معرفی کرد. این نگاه، باعث شد تا بسیاری از لبنانی‌ها، حتی کسانی که با حزب‌اله همسو نبودند، به ضرورت وجود این سلاح به عنوان حافظ منافع ملی واقف شوند.

پیروزی‌های مقاومت، به ویژه در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶، خاطرات شیرین و غرورآفرینی را در ذهن لبنانی‌ها به یادگار گذاشت. سید نصراله با تأکید بر این پیروزی‌ها و جایگاه سلاح مقاومت در کسب آن‌ها، توانست این حافظه جمعی را زنده نگه دارد و آن را به یکی از ارکان هویت ملی لبنان تبدیل کند. این حافظه، عامل مهمی در انسجام اجتماعی و مقاومت در برابر فشارهای خارجی شد.

میراث ماندگار سید مقاومت در سه سطح

میراث سید حسن نصراله در لبنان و منطقه، در سطوح مختلفی قابل بررسی است. این میراث، نه تنها به حزب‌اله، بلکه به کل جامعه لبنان و گفتمان مقاومت در منطقه، شکل و جهت داده است.

سطح یکم: اولین و شاید بارزترین میراث سید نصراله، ایجاد و حفظ یک ساختار بازدارندگی پایدار در برابر رژیم صهیونیستی است. او با توسعه توان نظامی حزب‌اله و راهبرد دفاعی مبتنی بر بازدارندگی، موفق شد تا هزینه‌های حمله به لبنان را برای اسرائیل به سطحی غیرقابل تحمل برساند. این بازدارندگی، به طور مستقیم در حفظ امنیت و ثبات لبنان نقش داشته و از تجاوزات مکرر اسرائیل جلوگیری کرده است.

سطح دوم: دومین سطح از میراث او، مربوط به دستاوردهای سیاسی او در زمینه وحدت ملی است. سید نصراله با موفقیت توانست حزب‌اله را به عنصری کلیدی در معادلات سیاسی لبنان تبدیل کند که فراتر از مرزهای طایفه‌ای عمل می‌کند. او با ایجاد ائتلاف‌های سیاسی فراگیر و مشارکت در دولت، نشان داد که مقاومت می‌تواند ابزاری برای ایجاد ثبات و انسجام سیاسی در لبنان باشد. این امر، به تقویت دولت و نهادهای ملی کمک کرده است.

سطح سوم: سومین و شاید عمیق‌ترین سطح میراث سید حسن نصراله، در حوزه‌ی فرهنگی و هویتی است. او توانست مقاومت را به بخشی جدایی‌ناپذیر از حافظه جمعی و سرمایه اجتماعی لبنان تبدیل کند. مقاومت، دیگر صرفاً یک مفهوم نظامی یا سیاسی نبود، بلکه به بخشی از هویت لبنانی، نمادی از عزت نفس و اراده ملی تبدیل شد. این امر، باعث شد تا لبنانی‌ها، با وجود تمام اختلافات، احساس تعلق مشترک به سرزمینی را داشته باشند که با خون و مقاومت در برابر تجاوزات حفظ شده است. این سرمایه اجتماعی، یکی از مهم‌ترین عوامل مقاومت لبنان در برابر چالش‌های آینده خواهد بود.

ملت‌سازی از طریق مقاومت

در پایان باید بگویم؛ شهید سید حسن نصراله، با هدایت استراتژیک خود، نه تنها مقاومت را به یک نیروی نظامی قدرتمند تبدیل کرد، بلکه از آن به عنوان ابزاری برای ملت‌سازی در لبنان بهره برد. او با شکستن تابوی شکست‌ناپذیری اسرائیل، احیای غرور ملی، ایجاد انسجام در جامعه‌ی چندطایفه‌ای و تبدیل مقاومت به نمادی از هویت و استقلال، نقشی بی‌بدیل در بازتعریف هویت ملی لبنان ایفا کرد. میراث او، نظامی، سیاسی و به ویژه فرهنگی–هویتی، همچنان سایه گسترده‌ای بر آینده لبنان دارد و نشان می‌دهد که چگونه یک جنبش مقاومتی می‌تواند به موتور محرکه ملت‌سازی در یک جامعه پیچیده و چندلایه تبدیل شود. او به جهانیان نشان داد که مقاومت، تنها یک تاکتیک نظامی نیست، بلکه می‌تواند یکی از قدرتمندترین ابزارهای شکل‌دهی به هویت ملی و انسجام اجتماعی باشد.

گزارش

کتاب و کتابخوانی در کما



طرح نو؛ شیوا صفری

شمارگان کتاب و نشریات، آینه‌ی درخشش فرهنگی و شاخصی روشن از میزان توسعه‌یافتگی هر ملت است؛ آینه‌ای که متأسفانه در ایران چهار دهه است تصویر روشنی از آن نمی‌بینیم. از حدود چهل سال پیش، پایین بودن نرخ مطالعه به دغدغه‌ای دائمی در گفتمان فرهنگی کشور بدل شد، درست در روزگاری که تیراژ کتاب در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته ـ از اروپا و آمریکا گرفته تا ژاپن و حتی ترکیه‌ی همسایه ـ به میلیون نسخه می‌رسید. در همان سال‌ها، مقایسه‌ی عادت مطالعه‌ی مردم دیگر کشورها، که حتی در مترو و اتوبوس کتاب به دست می‌گرفتند، با وضعیت جامعه‌ی ما به داغی برای اهل فرهنگ بدل شده بود. اما مرور این چهار دهه نشان می‌دهد که این زخم کهنه نه تنها التیام نیافته، بلکه عمیق‌تر نیز شده است؛ چرا که با وجود شعارها و برنامه‌های فراوان، تیراژ کتاب و روزنامه همچنان روندی نزولی دارد و آنچه به‌جای «فرهنگ مطالعه» در جامعه رشد کرده، تنها «حسرت مطالعه» است.

نزول نرخ مطالعه، صعود آسیب های اجتماعی

در سال‌هایی که هم‌زمان با گسترش دانشگاه‌ها و افزایش چشمگیر استادان و دانشجویان سپری می‌شد، شمار تحصیل‌کردگان استان نیز به‌سرعت رو به فزونی نهاد. در همان روزگار بسیاری از اندیش‌ورزان به درکی عمیق رسیده بودند: ریشه‌ی بخش بزرگی از آسیب‌های اجتماعی در پایین بودن نرخ مطالعه نهفته است. به تعبیر مولانا، «آنگاه که گفت‌وگو پایان می‌یابد، لت‌وکوب آغاز می‌شود»؛ یعنی جامعه‌ای که اهل سخن نیست، ناچار به خشونت پناه می‌برد. و گفت‌وگو تنها در میان مردمانی بالنده می‌ماند که مهارت‌های کلامی و اندیشگی را در سایه‌ی مطالعه و معاشرت با فرهیختگان آموخته باشند. مطالعه، اصلی‌ترین ابزار تربیت منطق و زبان است و تا زمانی که خانواده‌ها کتاب را همچون نان و دارو در سبد ضروری خود جای ندهند، شکاف فرهنگی و اجتماعی پابرجا خواهد ماند. امروز اگر پای سخن نوجوانان بازداشت‌شده در مراکز اصلاح و تربیت بنشینیم و از دلیل درگیری‌های خونینی که به چاقوکشی و مرگ انجامیده بپرسیم، درمی‌یابیم که وجه مشترک آنان، بیگانگی با کتاب است. طلاق نیز از همین نارسایی برمی‌خیزد؛ ضعف گفت‌وگو میان زوج‌ها، ناتوانی در درک متقابل و نبود زبان مشترک برای حل مسئله. فرزندان چنین خانواده‌هایی، خود به سرچشمه‌های تازه‌ی خشونت بدل می‌شوند. جامعه‌ای که منطق ندارد، زود به تعصب پناه می‌برد و این چرخه‌ی ویرانگر، تا زمانی که باب مطالعه گشوده نشود، ادامه می‌یابد. ناکامی جوانان در کار، ازدواج، یا شکل‌دهی به زندگی سالم نیز بیش از آن‌که به شانس یا ساختار اقتصادی مربوط باشد، از فقر اندیشه و نخواندن کتاب‌هایی سرچشمه می‌گیرد که ذهن و جان را سیراب می‌کنند؛ همان سرچشمه‌هایی که ملت‌ها را به سوی حیات معقول، پویایی اقتصادی و توسعه‌ی پایدار رهنمون می‌سازد.

یار مهربان در دست بیگانگان

در روزگار کنونی، گروهی کاهش تیراژ کتاب و مجلات را پیامد گسترش اینترنت و فضای دیجیتال می‌دانند، اما این توجیه بیش از آن‌که واقعیت باشد، نوعی فرار از مسئولیت است. اگر اینترنت عامل اصلی افت مطالعه بود، پس چرا در کشورهایی چون آمریکا، اروپا و ژاپن که سریع‌ترین و گسترده‌ترین دسترسی آنلاین را دارند، هنوز صف‌های طولانی برای خرید کتاب‌های تازه‌منتشر شده دیده می‌شود؟ پاسخ روشن است: مشکل نه در اینترنت، بلکه در نبود نهادهای کارآمد نقد و ترویج کتاب، و در فقر فکری دستگاه‌های فرهنگی ماست. فقدان کارشناسان خبره و منتقدان مسلط بر محتوا سبب شده مسیر معرفی و بررسی آثار به بیراهه رود و برنامه‌های رسانه‌ای نیز از عمق و هدف تهی باشند. رسانه ملی به‌جای واگذاری مسئولیت توسعه فرهنگ مطالعه به استادان فرهیخته و اهل کتاب، آن را به دستان کسانی سپرده که دانششان سطحی و بی‌ریشه است؛ و چنین رویکردی طبیعی است که به دلزدگی مخاطب بینجامد.

به تعبیر شاعر: «ذات نایافته از هستی‌بخش، کی تواند که شود هستی‌بخش؟» وقتی مدیران فرهنگی خود از مطالعه بی‌بهره‌اند، چگونه می‌توانند جامعه‌ای کتاب‌خوان پرورش دهند؟ همین بی‌توجهی در تخصیص و نظارت بر یارانه‌های نشر نیز مشهود است: سال‌ها بودجه‌های کلان به ناشرانی اختصاص یافت که نه محتوای ارزشمند تولید کردند و نه حتی پاسخ‌گوی عملکردشان بودند. صدها ناشر قارچ‌گونه با چاپ چند کتاب کم‌مایه تنها برای رفع تکلیف، ضریب مطالعه را پایین‌تر برده‌اند، بی‌آنکه نظام نظارتی واقعی ـ متشکل از استادان دلسوز و آشنا به عرصه نشر ـ بر آنها نظارت داشته باشد.

در حقیقت، سقوط فاجعه‌بار نرخ مطالعه از آنجا آغاز شده که ما برای اصلاح وضعیت، یا صورت مسئله را پاک می‌کنیم، یا مقصر را در دیگری می‌جوییم: مدارس، دانشگاه‌ها، وزارت ارشاد، ناشران و رسانه‌ها، همگی در این غفلت شریک شده‌اند. و اگر این بی‌عملی ادامه یابد، چندان دور نیست روزی که جامعه‌ای گرفتار در جهل و خشونت، ثمر این بی‌توجهی را به‌سزا بچشد؛ روزی که جهل، افسارگسیخته، شالوده‌ی فرهنگ را از بیخ برکند و تنها خاکستر آن برایمان باقی بماند.

زنگ خطر به صدا در آمده است

واقعیت این است که با افت شدید شمارگان کتاب و نشریات طی سالهای اخیر، زنگ خطری به صدا درآمده است که صدای پدیدآورندگان و دست اندرکاران صنعت چاپ و نشر در استان را درآورده است. یکی از مدیران فرهیخته‌ی تبریزی که از ۵۰ سال پیش برای زدودن گرد فراموشی از چهره‌ی فرهنگ و ادب دیار آذربایجان و تبریز تلاش کرده، ضمن تشریح روند نزولی شمارگان کتاب و به تبع آن پایین آمدن نرخ مطالعه به خبرنگار ما می‌گوید: وضعیت نشر کتاب بسیار تاسف بار شده به نحوی که امروزه تیراژ کتاب به کمتر از هزار جلد رسیده است. وی در ادامه یادآور می‌شود: این امکان وجود دارد که ما، ناشران و نویسندگان خوبی داشته باشیم ولی نبود عرضه کنندگان و توزیع کنندگان خوب یکی از علل بروز رکود در بازار کتاب است. متاسفانه تهرانی‌ها حاضر نیستند شهرستانی ها را در چرخه خودشان بپذیرند و مافیای سراسری کار شهرستانی ها را با مشکل روبه رو کرده است. ما در انتشارات خودمان از کتابفروشی ها و توزیع کنندگان تهرانی طلبکار هستیم. این در حالی است که آنها استدلال می کنند در چنین وضعیتی، مولف باید کتاب را تهیه کرده در اختیار آنها بگذارد و توقع بازگشت سرمایه هم نداشته باشد.

فضای مجازی علیه کتاب

با یک ناشر ارومیه‌ای هم کلام شدیم. او می‌گوید: نسل نو پول صرف خوشگذرانی می‌کند ولی کتاب در سبد هزینه‌های او جایگاهی ندارد. از سویی با بروز تغییرات شتابان در فناوری‌های ارتباطی، جا دارد که کتاب، هم از لحاظ فرهنگی و هم از لحاظ اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

او فضای دیجیتال را به عنوان یکی از مسایل رکود بازار کتاب مورد ارزیابی قرار داده و در این زمینه یادآور شد: نسل عوض شده و اطلاعات از طریق اینترنت منتقل می شود. به همین لحاظ بایستی در فضای مجازی فضاسازی شود. ناشران می توانند با ایجاد موج در فضای مجازی، نشر کتاب را از رکود نجات دهند. برگزای جلسات نقد و بررسی کتاب در جلسات آزاد اندیشی کمک زیادی به رونق بازار کتاب خواهد کرد. فرهنگ و هنر ما با اقتصاد کتاب بیگانه بوده و به کتاب همواره به عنوان مقوله ای تزیینی و اهدایی نگریسته به همین دلیل دستگاه های دولتی از ۰/۵ درصد اعتباری که باید صرف خرید محصولات فرهنگی شود استفاده بهینه ای نکرده اند.

تعطیلی سریالی کتابفروشی ها

یکی از کتابفروش‌های مطرح شهر تبریز نیز به خبرنگار ما گفت: همزمان با تبریز، در بسیاری از کلانشهرها و شهرهای ریز و درشت کشور از جمله در تهران بسیاری از کتابفروشی ها تعطیل شده و یا در آستانه‌ی تعطیلی هستند. پخش کنندگان کتاب در تهران، شرایط سختی را برای توزیع وضع کرده اند. کتاب ناشران و مولفان را به صورت امانی و مشروط به فروش قبول می کنند و در قبال آن فقط چک می دهند.

وی ضمن تاکید بر خصوصی بودن کار چاپ و نشر کتاب، یادآور شد: فروش اینترنتی یا ویزیت حضوری کتاب بایستی به صورت خصوصی انجام شود تا کسب منافع شخصی به عنوان انگیزه‌ای قوی باعث پیشرفت کار و برون رفت از این مشکل شود.

وی از برپایی نمایشگاه های کتاب به عنوان یکی از مهمترین مشکلات رکود بازار کتاب یاد کرد و افزود: برای رونق بازار کتاب بایستی فروشگاه‌های سیار جان بگیرد و ناشران از بازاریاب های کارآمد استفاده کنند. او در پایان یکی از عوامل از رونق افتادن بازار کتاب را عدم اشراف کتابفروشان به محتوای کتابهای موجود در کتابفروشی دانست و گفت: در گذشته کتابفروشان افراد فرهیخته ای بودند که نسبت به کتابها اشرافی اجمالی داشتند و مشتریان را راهنمایی می کردند. در حال حاضر به جهت گسترش شهر، دسترسی اهالی مطالعه به کتاب سخت و پرهزینه نیز شده و گاهی برای خرید یک جلد کتاب مجبور به تحمل ۱۰۰هزار تومان جریمه راهنمایی هم می‌شوند. زیرا کتابفروشی ها اغلب در محل های پر ترافیک شهر ساخته شده و فاقد پارکینگ هستند. لذا بایستی به سرعت خود را به سامانه‌ی منظم و دقیق اینترنتی مجهز کنند و برای توفیق در این زمینه شرکت های بزرگ و موفق دنیا را الگو قرار دهند. در اینترنت فروشنده ای موفق خواهد بود که از لحظه‌ی خرید تا لحظه‌ی رسیدن کالا به دست مشتری، موضوع را پیگیری کند تا از این طریق اعتماد مشتری جلب شود حتی اگر کتاب معیوب و ناقص بود، بلافاصله و به سرعت آن را تعویض کند. متاسفانه پدیدآورندگان کتاب در تبریز از تکنولوژی عقب افتاده اند و تصور می کنند وجود یک یا چند دستگاه کامپیوتر و حسابداری و انباردای رایانه ای کافی است. کتابفروش باید فروشگاه خود را با بزرگترین شرکت های اینترنتی دنیا مقایسه کند و بدیهی است که نظم و دقت حرف اول را می زند. دیگر اینکه راه اندازی چند دستگاه تریلر یا اتوبوس به منظور نزدیک کردن کتاب به محل زندگی اهالی مطالعه از روش هایی است که شمارگان هر کتاب را چند برابر خواهد کرد. به علاوه، مزایای مطالعه بایستی به صورت مستمر در رسانه ی ملی گوشزد شود تا انگیزه کتابخوانی در مردم بیدار گردد. برای توفیق در این زمینه استان باید یک هیات امنای فعال داشته باشد که برای صدا و سیما برنامه پیشنهاد بدهد و مشکلات چاپ و نشر را مورد ارزیابی مستمر قرار داده، راهکارهای متناسب با فناوری های روز را ارائه نماید.

کالای ضروری در سبد خرید

یکی از روش هایی که تاثیر زیادی در افزایش شمارگان کتاب خواهد داشت، برگزاری مسابقه های فصلی کتابخوانی در موضوع های آزاد خواهد بود. اگر شرکت های بزرگ اقتصادی اسپانسر و حامی این مسابقات شوند و به کسانی که کتاب را به عنوان یک کالای ضروری در سبد خانواده‌ی خود قرار داده اند، جایزه اهدا کنند، بی گمان عادت مطالعه در نوجوانان و جوانان ایجاد می شود و تا آخر عمر با آنها خواهد بود.

پرواضح است، مردم زمانی به کتاب روی خواهند آورد که نیاز به تقویت عقل و خرد را در خود احساس کنند و این نیاز هنگامی در آدمی ایجاد می شود که شاد و سرزنده باشد. جناب فردوسی سروده است: «چو شادی بکاهد، بکاهد روان/ خرد گردد اندر میان ناتوان» بنابراین ایجاد زمینه شادی و خرمی در جامعه یکی از وظایف حکومت است که در آن صورت، شمارگان کتاب به عنوان شاخص توسعه‌ی فرهنگی، ارتقا خواهد یافت و موجب سرافرازی و سربلندی ایرانیان در بین سایر ملت ها می شود. روش های تامین این نیاز فرهنگی بایستی توسط کارشناسان مربوطه تعیین شود.

نقل ارومیه؛ سوغات ۱۰۰ ساله با طعمی که هرگز کهنه نمی‌شود



طرح نو؛ گروه گزارش

ارومیه را نه‌تنها با دریاچه‌اش، بلکه با نقل خوش‌طعم و عطرآگینش نیز می‌شناسند. این سوغات کهن بیش از یک قرن است در سفره‌ها و مجالس ایرانی حضور دارد و با تنوع طعم و رنگ خود، کام مهمانان و گردشگران را شیرین می‌کند.

سفر به ارومیه، شهر کهن آذربایجان غربی، با بازدید از بناهای تاریخی، جاذبه‌های گردشگری و آشنایی با فرهنگ و آداب‌ورسوم مردم این منطقه همراه است. اما در پایان سفر، زمانی که گردشگران به دنبال خرید سوغات می‌روند، نقل ارومیه یکی از نخستین گزینه‌هایی است که در ذهن آنها تداعی می‌شود.

این شیرینی سنتی با عطر و طعم منحصربه‌فرد خود، جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ غذایی ارومیه دارد و نه‌تنها میان مسافران و گردشگران داخلی، بلکه در میان گردشگران خارجی نیز محبوبیت زیادی پیدا کرده است. بسیاری از مسافران هنگام بازگشت، چند نوع نقل را انتخاب می‌کنند تا شیرینی این سوغات محلی را با خانواده، دوستان و آشنایان خود تقسیم کنند.

نقل ارومیه انواع و طعم‌های مختلفی دارد که هرکدام با استفاده از مواد اولیه متفاوت و مغزهای خوراکی گوناگون تهیه می‌شوند. ترکیب این مواد با شکر، عرقیات گیاهی و طعم‌دهنده‌های مختلف، تنوع چشمگیری به این شیرینی سنتی بخشیده و آن را به یکی از شناخته‌شده‌ترین سوغات‌های آذربایجان غربی تبدیل کرده است.

تنوع طعم‌ها در نقل ارومیه

نقل گردویی گل‌محمدی

نقل گردویی گل‌محمدی یکی از محبوب‌ترین انواع نقل ارومیه است که با ترکیب مغز گردو و برگ‌های گل‌محمدی، عطر و طعمی متفاوت دارد. این نقل از جمله گزینه‌های پرطرفدار گردشگران هنگام خرید سوغات ارومیه به شمار می‌رود.

در تهیه این شیرینی از مغز گردوی سفید ایرانی، گلاب، گل‌محمدی، کرم تاتار، شکر و آب استفاده می‌شود. مغز گردو حدود ۵۰ درصد ترکیبات این نقل را تشکیل می‌دهد و عطر گل‌محمدی، طعمی دلپذیر و متمایز به آن می‌بخشد.

نقل گردویی گل‌محمدی برای تمام گروه‌های سنی مناسب دانسته می‌شود و به دلیل برخورداری از مواد غذایی مغذی، می‌تواند جایگزینی برای قند در کنار چای باشد. ماندگاری این نقل در شرایط نگهداری مناسب، حدود سه ماه عنوان شده است.

نقل ریز ابریشمی بیدمشک

نقل ریز ابریشمی بیدمشک از قدیمی‌ترین و مشهورترین سوغات‌های ارومیه محسوب می‌شود. این شیرینی با نام‌های نقل ابریشمی و نقل ریز بیدمشکی نیز شناخته می‌شود و به دلیل اندازه کوچک، بافت ظریف و رایحه خاص خود، طرفداران بسیاری دارد.

در تهیه این نقل از عرق بیدمشک و مغز بادام تازه استفاده می‌شود. بیدمشک گیاهی خوش‌عطر است که در فصل بهار در مناطق مختلف آذربایجان غربی می‌روید و حضور آن در ترکیب نقل، رایحه‌ای متمایز به این شیرینی می‌بخشد.

در روش تهیه این نقل، خلال بادام با گل بیدمشک ترکیب می‌شود و همین فرآیند، رنگ و عطر خاصی به محصول می‌دهد.

نقل بیدمشک ارومیه در سال ۱۳۹۷ در فهرست میراث ناملموس کشور به ثبت رسید؛ موضوعی که اهمیت فرهنگی و جایگاه این محصول سنتی را نشان می‌دهد.

از جمله خواص مطرح‌شده برای نقل بیدمشک، تقویت قلب و تنظیم فشار خون است. همچنین گفته می‌شود وجود بیدمشک در ترکیب این شیرینی ممکن است در پیشگیری از برخی بیماری‌های قلبی و حتی بعضی سرطان‌ها مؤثر باشد.

نقل گردویی وانیلی

نقل گردویی وانیلی یکی دیگر از طعم‌های قدیمی نقل ارومیه است که با ترکیب مغز گردو و طعم‌دهنده محبوب وانیل تهیه می‌شود. در این نوع نقل، مغز گردو حدود ۵۰ درصد ترکیبات محصول را تشکیل می‌دهد و ترکیب آن با عطر وانیل، طعمی شیرین و دلپذیر ایجاد می‌کند. نقل گردویی وانیلی به دلیل طعم ملایم و همه‌پسند خود، طرفداران زیادی دارد.

از جمله خواص مطرح‌شده برای این نقل می‌توان به کمک به رشد موهای سر، کاهش و درمان تب، درمان سوختگی و زخم، خاصیت ضدالتهابی، بهبود سرفه و سرماخوردگی و برخورداری از خواص ضدسرطانی اشاره کرد.

نقل پسته‌ای

نقل پسته‌ای با استفاده از مغز پسته مرغوب تهیه می‌شود و طعم و بافت خاص این مغز خوراکی را به خوبی حفظ می‌کند. استفاده از پسته باکیفیت، عطر و مزه متفاوتی به این شیرینی می‌بخشد و آن را به گزینه‌ای محبوب برای علاقه‌مندان به نقل‌های مغزدار تبدیل کرده است.

نقل بادامی

نقل بادامی یکی دیگر از انواع محبوب نقل ارومیه است که با مغز بادام تهیه می‌شود. این نقل با بافتی ترد و طعمی ملایم، برای افرادی که به دنبال طعم‌های کلاسیک و آشنا هستند، انتخابی مناسب به شمار می‌رود. نقل بادامی نیز مانند دیگر انواع نقل، در میان خریداران سوغات ارومیه جایگاه ویژه‌ای دارد و یکی از گزینه‌های رایج برای پذیرایی و هدیه دادن محسوب می‌شود.

نقل مغزدار

نقل مغزدار یکی از شیرینی‌های محبوب و خوشمزه‌ای است که در مراسم و مناسبت‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شیرینی از ترکیب مغزهای معطر و پوششی شیرین تهیه می‌شود و در مراسم مختلف از جمله عیدها، مجالس شادی و حتی مراسم ختم، به‌عنوان نمادی از محبت و احترام برای پذیرایی از مهمانان به کار می‌رود.

طعم دلپذیر و ترکیب مغزهای خوراکی با شربت شیرین، از جمله عواملی است که باعث محبوبیت این نوع نقل شده است.

نقل گردویی دارچینی

نقل گردویی دارچینی از ترکیب مغز گردو و دارچین تهیه می‌شود و طعمی شیرین همراه با رایحه گرم و دلنشین دارچین دارد. این نوع نقل برای افرادی که به طعم‌های معطر و سنتی علاقه دارند، گزینه‌ای جذاب است. علاوه بر طعم مناسب، خواص دارچین نیز در این نقل مورد توجه قرار می‌گیرد.

از جمله خواص مطرح‌شده برای دارچین می‌توان به کاهش خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی، کاهش سطح قند خون و محافظت از بدن در برابر سرطان اشاره کرد.

نقل گردویی زعفرانی، محبوب‌ترین طعم نقل ارومیه

در میان انواع نقل ارومیه، نقل گردویی زعفرانی از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار است و یکی از پرطرفدارترین انواع این شیرینی سنتی محسوب می‌شود. مواد اصلی تشکیل‌دهنده این نقل، مغز گردو و زعفران درجه یک است. مغز گردو حدود ۵۰ درصد ترکیبات آن را تشکیل می‌دهد و زعفران خالص، عطر و طعم دلپذیر و رنگ طبیعی به این شیرینی می‌بخشد.

در تهیه نقل گردویی زعفرانی اصیل، از رنگ‌های مصنوعی استفاده نمی‌شود و رنگ زرد و طلایی محصول تنها از زعفران به دست می‌آید. همین ویژگی در کنار طعم خاص و کیفیت مواد اولیه، باعث شده است این نقل یکی از انتخاب‌های اصلی خریداران باشد.

نقل گردویی زعفرانی به دلیل برخورداری از زعفران و گردو، فواید مختلفی نیز برای آن مطرح می‌شود. از جمله این خواص می‌توان به افزایش انرژی کودکان، کمک به هضم آسان‌تر غذا، آرامش نوزادان، ایجاد نشاط و شادی در کودکان، تقویت استخوان‌های بدن کودکان و نوزادان و کمک به حفظ سلامت دندان‌ها و دهان اشاره کرد.

همچنین تقویت سیستم ایمنی بدن، تقویت مو، سم‌زدایی کبد، کاهش فشار خون و کاهش استرس و اضطراب از دیگر خواص مطرح‌شده برای نقل گردویی زعفرانی به شمار می‌رود.

نقل ارومیه در مناسبت‌ها و دورهمی‌ها

اگرچه نقل ارومیه در تمام طول سال خریداری و مصرف می‌شود، اما در برخی مناسبت‌ها بازار آن رونق بیشتری پیدا می‌کند.

چهارشنبه‌سوری، شب یلدا و عید نوروز از جمله زمان‌هایی هستند که خانواده‌ها برای پذیرایی از مهمانان یا تهیه هدیه، بیشتر به سراغ این شیرینی سنتی می‌روند.

نقل ارومیه همچنین جایگزینی مناسب برای قند در کنار چای محسوب می‌شود و تنوع طعم‌های آن، امکان انتخاب متناسب با ذائقه افراد مختلف را فراهم می‌کند.

روایت‌هایی از شکل‌گیری یک سوغات

پشت شهرت نقل ارومیه، تلاش و تجربه نسل‌هایی از شیرینی‌سازان این شهر قرار دارد. در روایت‌های مربوط به تاریخ نقل ارومیه، نام مرحوم بدیعی و مرحوم حاج محمدعلی قاسمی به‌عنوان چهره‌های اثرگذار در شکل‌گیری و گسترش این صنعت سنتی مطرح می‌شود.

مرحوم حاج محمدعلی قاسمی، معروف به بنیانگذار نقل ارومیه، در سال ۱۳۲۸ چشم به جهان گشود و از همان جوانی در صنف شیرینی‌سازی، در کنار مرحوم بدیعی فعالیت می‌کرد. او بعدها با تلاش و زحمات مضاعف، نقل ارومیه را به شکل امروزی توسعه داد و با نوآوری در تهیه نقل، به‌ویژه استفاده از عطر و طعم بیدمشک، به گسترش این شیرینی سنتی کمک کرد.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مرحوم حاج محمدعلی قاسمی، نقل گردویی بود که امروزه در رنگ‌ها و طعم‌های مختلف در بازار عرضه می‌شود و جایگاه مهمی در میان انواع نقل ارومیه دارد.

البته در روایت دیگری، نقل ارومیه یادگار مرحوم بدیعی دانسته می‌شود و گفته می‌شود پس از او، مرحوم حاج محمدعلی قاسمی که از جوانی در کنار وی فعالیت می‌کرد، نقش مهمی در گسترش شهرت این شیرینی در داخل و خارج از کشور ایفا کرد.

نقل ارومیه، سوغاتی با ظرفیت جهانی

نقل ارومیه بخشی از فرهنگ غذایی این شهر است که نام و آوازه آن از مرزهای منطقه فراتر رفته و در نقاط مختلف کشور شناخته شده است. این شیرینی سنتی بیش از هر چیز، خاطره سفر به ارومیه را برای گردشگران زنده نگه می‌دارد و با عطر و طعم خاص خود، کام مسافران و مهمانان را شیرین می‌کند.

برخورداری ارومیه از این شیرینی سنتی، با تنوع طعم‌ها و استفاده از مواد اولیه مختلف، ظرفیت مناسبی برای معرفی بیشتر آن در بازارهای جهانی فراهم کرده است. توسعه تولید، حفظ کیفیت مواد اولیه، معرفی بهتر انواع نقل و گسترش بازارهای فروش، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به افزایش جایگاه این شیرینی سنتی کمک کند.

نقل ارومیه، با عطر بیدمشک، طعم گردو و زعفران و تنوع چشمگیر خود، نه تنها یکی از محبوب‌ترین سوغات‌های این شهر کهن است، بلکه می‌تواند نقش موثری در رونق گردشگری آذربایجان غربی و معرفی فرهنگ غذایی این منطقه به گردشگران داخلی و خارجی ایفا کند. / ایرنا

شناسه آگهی: ۲۳۱۲۴۱۳ **م الف: ۲۳۱۲۴۱۳** **روزنامه طرح نو**

شماره : ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۰۵۰۰۹۶۲۵
تاریخ : ۱۴۰۵/۰۷/۲۲

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت دوم)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۰۵۰۰۸۸۲۹ – ۱۴۰۵/۰۷/۰۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مرند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم رقیه میزابی نژاد فرزند حبیب بشماره شناسنامه ۳۱۶ صادره از مرند در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۹۰۸ مترمربع به پلاک ۱۱۶۸۰ فرعی از ۴۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۶۸۳ فرعی از ۴۹ اصلی واقع در دیزجیکان بخش ۱۵ تبریز خریداری از مالکین مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۸/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۸/۲۰
احد فعال
رئیس ثبت اسناد و املاک مرند

شناسه آگهی : ۲۳۱۷۶۰۷ **روزنامه طرح نو**

تاریخ:۱۴۰۵/۰۸/۱۰
شماره: ۱۰۴/۲۵/۳۵۵

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود قسمتی از پلاک ۱۹-اصلی قریه اینجار واقع در بخش ۲۹-تبریز که مطابق ماده ۱۴ قانون ثبت اسناد و املاک سابقه تحدید حدود ندارند طبق این آگهی به اطلاع عموم آگهی میگردد.

آگهی از پلاک ۱۹-اصلی واقع در قریه اینجار بخش ۲۹ تبریز

۱.پلاک ۱۹/۷۹۳ آقای احمد ایمانی فرد ششدانگ باغ به مساحت ۱۵۹۷/۴۴ متر مربع
۲. پلاک ۱۹/۷۹۴ آقای احمد ایمانی فرد ششدانگ باغ به مساحت ۶۸۶۵/۵۳ متر مربع
۳. پلاک ۱۹/۸۸۲ آقای حسین قلی پور فرزند نجفقلی در ششدانگ باغ به مساحت ۱۰۳۸/۰۳ مترمربع
۴. پلاک۱۹/۸۰۸ آقای جواد قلی پور ششدانگ باغ به مساحت ۵۸۰۱/۰۶ متر مربع
۵. پلاک ۱۹/۸۰۹ آقای جواد قلی پور ششدانگ باغ به مساحت ۳۵۰۹/۶۳ متر مربع
۶. پلاک ۱۹/۷۹۲ خانم استیفا میرزائی ششدانگ باغ به مساحت ۶۴۰/۴۰ متر مربع
۷. پلاک ۱۹/۷۷۹ آقای قبلعلی حیدری اصل ششدانگ زمین مزروعی به مساحت ۵۸۰۴/۰۹ متر مربع
۸. پلاک ۱۹/۷۸۰ آقای قبلعلی حیدری اصل ششدانگ زمین مزروعی به مساحت ۱۸۱۹۶/۱۷ مترمربع
۹. پلاک ۱۹/۷۸۱ آقای قبلعلی حیدری اصل ششدانگ باغ به مساحت ۹۳۳/۴۷ متر مربع
۱۰. پلاک ۱۹/۸۲۱ آقای مرتضی محمدپور فرداینجار ششدانگ باغ به مساحت ۶۳۰/۵۷ متر مربع
۱۱. پلاک ۱۹/۷۹۵ آقای رسول اسدپور فرد ششدانگ باغ به مساحت ۵۲۹۷/۲۶ متر مربع
۱۲. پلاک ۱۹/۷۸۳ آقای محمد عباسزاده ششدانگ باغ به مساحت ۲۴۴۶/۵۵ متر مربع
۱۳. پلاک۱۹/۷۸۴ آقای محرم طهماسبپور ششدانگ باغ به مساحت ۸۷۵۷/۷۶ متر مربع
۱۴. پلاک ۱۹/۷۹۷ خانم سکینه نعمت پور ششدانگ باغ به مساحت ۷۰۱/۳۰ متر مربع
۱۵. پلاک ۱۹/۸۱۱ خانم زهرا قنبری اقدم ششدانگ باغ به مساحت ۱۰۵۴/۳۶ متر مربع
۱۶. پلاک ۱۹/۷۹۱ آقای یوسفعلی قنبری اقدم ششدانگ باغ به مساحت ۲۰۴۴/۰۹ متر مربع
۱۷. پلاک ۱۹/۸۱۶ خانم گلزار حسینقلی زاده ششدانگ باغ به مساحت ۳۶۹۶/۸۴ متر مربع
۱۸. پلاک ۱۹/۷۹۰ خانم حسینقلی زاده ششدانگ باغ به مساحت ۸۰۶/۰۹ متر مربع
۱۹. پلاک ۱۹/۷۷۸ آقای علی برزک ششدانگ زمین زراعی به مساحت ۹۶۰/۵۶ متر مربع
۲۰. پلاک ۱۹/۷۸۸ آقای کرامت برزگر ششدانگ باغ به مساحت ۴۵۳/۸ متر مربع
۲۱. پلاک۱۹/۷۸۷ آقای کرامت برزگر ششدانگ باغ به مساحت ۹۷/۵۷ متر مربع
۲۲. پلاک ۱۹/۸۱۹ آقای حسن نعمت نژاد ششدانگ باغ به مساحت ۸۱۰۳/۳۲ متر مربع
۲۳. پلاک ۱۹/۷۹۹ آقای مهدی فتحی ششدانگ باغ به مساحت ۵۸۱۱/۲۴ متر مربع
۲۴. پلاک ۱۹/۸۰۲ آقای یحیی رضاپور فرد ششدانگ باغ به مساحت ۲۸۳۴/۵۶ متر مربع
۲۵. پلاک ۱۹/۸۰۱ آقای یحیی رضاپور فرد ششدانگ باغ به مساحت ۵۱۰/۴۶ متر مربع
۲۶. پلاک ۱۹/۸۲۵ خانم لیلا رضاپور فرد ششدانگ باغ به مساحت ۲۴۴/۵۲ متر مربع
۲۷. پلاک ۱۹/۸۲۷ آقای محرم رضاپور فرد ششدانگ باغ به مساحت ۷۲۷/۰۷ متر مربع
۲۸. پلاک ۱۹/۸۲۲ خانم سکینه رضاپور فرد دو دانگ مشاع از ششدانگ باغ به مساحت ۱۰۰۰/۷۱ متر مربع
۲۹. پلاک ۱۹/۸۲۲ خانم رقیه رضاپور فرد دودانگ مشاع از ششدانگ باغ به مساحت ۱۰۰۰/۷۱ متر مربع
۳۰. پلاک ۱۹/۸۲۲ خانم لیلا رضاپور فرد دودانگ مشاع از ششدانگ باغ به مساحت ۱۰۰۰/۷۱ متر مربع
۳۱. پلاک ۱۹/۸۲۳ خانم رقیه رضاپور فرد ششدانگ باغ به مساحت ۱۵۴۴/۰۳ متر مربع
۳۲. پلاک ۱۹/۸۲۷ آقای احمد رضاپور فرد ششدانگ باغ به مساحت ۴۱۰/۹۸ متر مربع
۳۳. پلاک ۱۹/۸۱۷ آقای علی اکبر عبدالهی اینجار ششدانگ باغ به مساحت ۷۲۵/۴۰ متر مربع
۳۴. پلاک ۱۹/۸۱۸ زآقای علی اکبر عبدالهی اینجار ششدانگ باغ به مساحت ۷۹۲/۶۰ متر مربع
۳۵. پلاک ۱۹/۸۰۰ آقای علی عبدالهی ششدانگ باغ به مساحت ۳۵۵۹/۵۲ متر مربع
۳۶. پلاک ۱۹/۸۱۲ آقای داودعبدالهی اینجار ششدانگ باغ به مساحت ۵۴۹/۸۵ متر مربع
۳۷. پلاک ۱۹/۸۱۳ آقای موسی عبدالهی اینجار ششدانگ باغ به مساحت ۵۳۷۷/۳۹ متر مربع
۳۸. پلاک ۱۹/۸۱۴ آقای موسی عبدالهی اینجار ششدانگ باغ به مساحت ۲۳۰۸/۹۸ متر مربع
۳۹. پلاک ۱۹/۷۸۹ خانم ملانکه اسدپور ششدانگ باغ به مساحت ۲۵۱۷/۷۳ متر مربع
۴۰. پلاک ۱۹/۷۸۶ آقای عزت اسدپور ششدانگ زمین زراعی به مساحت ۱۳۴۰۳/۷۸ متر مربع
۴۱. پلاک ۱۹/۸۰۷ آقای سعداله اسدپورفرد ششدانگ باغ به مساحت ۳۷۰۴/۶۸ متر مربع
۴۲. پلاک ۱۹/۷۸۵ آقای داود اسدپور ششدانگ باغ به مساحت ۴۱۰۱/۵۰ متر مربع
۴۳. پلاک ۱۹/۷۸۲ آقای جبرئیل اسدپور فرد ششدانگ باغ به مساحت ۸۳۲۵/۰۸ متر مربع
۴۴. پلاک ۱۹/۷۹۸ خانم لیلا اسدپور ششدانگ باغ به مساحت ۲۰۴۸/۴۴ متر مربع
۴۵. پلاک ۱۹/۷۹۶ آقای رسول اسدپورفرد ششدانگ باغ به مساحت ۴۰۹۵/۶۶ متر مربع
۴۶. پلاک ۱۹/۸۱۰ آقای علیرضا قنبری اقدم ششدانگ باغ به مساحت ۳۰۵۵/۷۲ متر مربع
۴۷. پلاک ۱۹/۸۰۳ آقای رضا سعدیان ششدانگ باغ به مساحت ۶۱۳۵/۸۵ متر مربع
۴۸. پلاک ۱۹/۸۱۵ آقای عدالت سعدیان ششدانگ باغ به مساحت ۴۹۹/۶۳ متر مربع
۴۹. پلاک۱۹/۸۰۵ آقای بهلول سعدیان ششدانگ باغ به مساحت ۱۵۲۶/۰۵ متر مربع
۵۰. پلاک ۱۹/۸۰۴ آقای بهلول سعدیان ششدانگ زمین زراعی به مساحت ۲۱۴۱/۰۸ متر مربع
۵۱. پلاک ۱۹/۸۲۰ آقای مصطفی حسین نژاد ششدانگ باغ به مساحت ۳۲۰۸/۶۳ متر مربع

لذا بدین وسیله کسانی که اعم از مالکین ، مجاورین و سایر اشخاص نسبت به حدود حقوق ارتفاقی پلاکهای قید شده اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود که همان روز در محل وقوع ملک بعمل خواهد آمدمطابق ماده ۲۰ قانون ثبت اسناد و املاک تا سی/۳۰ روز اعتراض کتبی خود را به اداره ثبت و املاک هوراند تسلیم نموده و رسید اخذ نمایند والا حق از آنان ساقط خواهد شد همچنین مطابق ماده ۸۶ اصلاحی قانون مذکور اعتراض باید کتبی و مستقیما»به اداره ثبت و اسناد و املاک هوراند تسلیم و معترض باید ظرف مدت یکماه ار تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت اسناد و املاک دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی اسناد و املاک،دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید و در غیر اینصورت متقاضی ثبت و نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مراجعه نموده و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت اسناد و املاک هوراند تحویل نماید بدین ترتیب اداره ثبت اسنادو املاک بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه خواهد داد . لازم به توضیح است در صورتیکه روز تحدید حدود مصادف با تعطیلی گردد عملیات تحدید حدود در همان ساعت مندرج در آگهی و در اولین روز کاری بعد از تعطیلی با رعایت مواد قانونی فوق الاشاره صورت می پذیرد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۸/۲۰

اکبردهقان
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک هوراند

روزچهار شنبه مورخه ۱۴۰۵/۹/۱۱ ساعت ۱۰ صبح

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی
آدرس تبریز: خیابان امام - مابین چهارراه منصور و میدان ساعت - جنب مسجد کبود
مجتمع تجاری ابریشم - طبقه اول - واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲
آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱
تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸
لیتوگرافی و چاپ: پرنیان

طرح نو

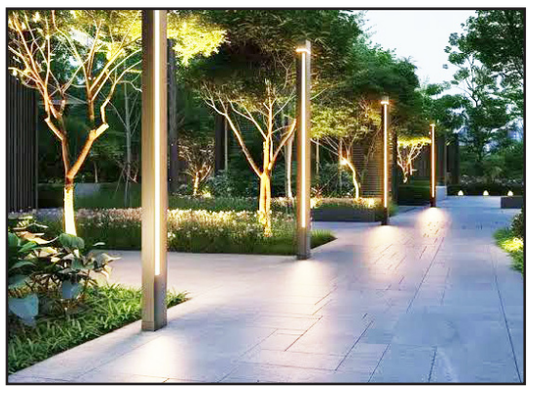
رتبه ۲ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

امیرالمومنین علی(ع):
هر که فهمی از سوی خدای سبحان نداشته باشد، موعظه هیچ واعظی سودش ندهد.

چهارشنبه ۲۰ آبان ماه ۱۴۰۵ - سال بیستم - شماره ۳۶۶۸

اخبار

تکمیل بازپیرائی جاده ائل گلی با بهره برداری از نورپردازی



طرح نو؛ گروه شهری
شهردار منطقه ۲ از تکمیل بازپیرائی جاده ائل گلی با بهره برداری از نورپردازی ویژه این مسیر گردشگری خبر داد.
عباس هاشمی با اعلام این خبر گفت: با اتمام مراحل بازپیرائی جاده ائل گلی از مهمترین مسیرهای عبوری شهروندان و گردشگران شهر تبریز، با انجام نورپردازی ویژه این جاده بسیار زیبا و چشم‌نواز شده و بازپیرائی آن تکمیل شده است.
هاشمی، با عنوان اینکه بازپیرائی جاده ائل گلی در حدفاصل میدان بزرگ ائل گلی و فلکه گلشهر به انجام رسیده است گفت: با انجام کف سازی ویژه نابینایان، بهسازی فضای سبز و جدول گذاری و همچنین با بهره‌برداری از نورپردازی این مسیر، شهروندان زیباترین پیاده راه تبریز را نظاره گر شده اند.
شهردار منطقه ۲، همچنین از به اجرا درآمدن بهسازی روشنائی ۳۴ پارک سطح حوزه این منطقه در راستای امنیت تردد شهروندان به هنگام استفاده از فضاهای سبز شهری و پارک های منطقه خبر داد و گفت: رسیدگی به وضعیت روشنائی فضاهای سبز و زیباسازی محیط شهری نیز در پارک ها و معابر منطقه در حال انجام است.
اکبر نقوی معاون محیط زیست و خدمات شهری منطقه ۲ نیز در خصوص تامین روشنائی و نورپردازی پارک ها و فضاهای سبز شهری گفت: برای استفاده مناسب خانواده ها از فضای پارک ها و برای امنیت کودکان به هنگام بازی در زمین های اختصاصی نونهالان، تامین روشنائی با هدف زیباسازی تمامی پارک ها در طرح هایی نو عملیاتی شده و به همین منظور بازپیرائی جاده ائل گلی نیز توسط این معاونت، نورپردازی شده است.
شهردار منطقه ۲ با همراهی معاونان و مدیران، بطور شبانه بازپیرائی و نورپردازی جاده ائل گلی را مورد بررسی قرار داد.

پیشرفت ۷۰ درصدی احداث عرشه شمالی پل سردار خرم



طرح نو؛ گروه شهری
عملیات اجرایی در پروژه‌های تقاطع غیرهمسطح سردار خرم و پل بزرگ خلعت‌پوشان با حضور حسین حسین‌پور، سرپرست شرکت خانه‌سازی پیش‌ساخته آذربایجان ، به همراه معاونان و عوامل اجرایی، مورد بررسی و پیگیری قرار گرفت.
در پروژه تقاطع غیرهمسطح سردار خرم، پس از بهره‌برداری از عرشه جنوبی، عملیات تکمیل عرشه شمالی با پیشرفت فیزیکی ۷۰ درصد ادامه دارد. قوس‌های عرشه نصب شده و فعالیت‌های اجرایی مربوط به تکمیل تیرها و ستون‌ها در این بخش در حال انجام است.
در پروژه پل بزرگ خلعت‌پوشان نیز عملیات خاک‌برداری مسیر جنوب به شمال همچنان ادامه دارد. این پروژه شامل ۳۶۰ متر مسیر زمینی و ۳۸۰ متر پل سگمنتال با عرض ۱۶ متر و ۹ پایه است که با اجرای آن، زیرساخت ارتباطی جدیدی در این محدوده از شهر تبریز ایجاد خواهد شد.
همچنین عملیات احداث مسیر اتصال پل سردار خرم به میدان بسیج در محدوده اراضی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز، به طول حدود یک کیلومتر و در چارچوب تفاهم‌نامه شهرداری تبریز و دانشگاه تبریز دنبال می‌شود. پیاده‌سازی مسیر این اتصال نیز پیش‌تر انجام شده است.
حسین حسین‌پور، سرپرست شرکت خانه‌سازی پیش‌ساخته آذربایجان، با اشاره به اهمیت این پروژه‌ها در بهبود زیرساخت‌های ترافیکی شهر، بر پیگیری مستمر عملیات اجرایی، هماهنگی میان بخش‌های فنی و اجرایی و بهره‌گیری از ظرفیت عوامل پروژه برای پیشبرد مراحل مختلف کار تأکید کرد

خانه‌های تاریخی؛ سرمایه‌ای که باید به زندگی تبریز بازگردد



طرح نو؛ مهدی کاظم زاده
تبریز شهر خاطره‌هاست؛ شهری که بخش مهمی از تاریخ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در کوچه‌ها، بازارها و خانه‌های آن رقم خورده است. بااین‌حال، آنچه امروز از معماری مسکونی تبریز باقی مانده، تنها بخش کوچکی از میراث پربار این شهر است.
شهریارتبریز : زلزله ویرانگر سال ۱۱۹۳ قمری، برابر با ۱۷۸۰ میلادی، بخش بزرگی از تبریز را ویران کرد و پس از آن نیز جنگ‌ها، تحولات شهری و به‌ویژه شتاب ساخت‌وساز در دهه‌های اخیر، بسیاری از خانه‌های قدیمی شهر را از میان بردند. از همین رو، بیشتر خانه‌های تاریخی باقی‌مانده تبریز متعلق به دوره قاجار و پس از آن هستند و هر خانه‌ای که از این دوران به یادگار مانده، فراتر از ارزش اقتصادی زمین و ساختمان، بخشی از حافظه شهر است؛ حافظه‌ای که اگر از میان برود، بازآفرینی آن ممکن نخواهد بود.
در چنین شرایطی، یکی از اقدامات ارزشمند مدیریت شهری تبریز در چند دهه گذشته، ورود به عرصه خرید، حفاظت و احیای خانه‌های تاریخی بوده است. اگرچه مسئولیت تخصصی حفاظت از میراث فرهنگی بر عهده دستگاه متولی این حوزه است، شهرداری تبریز نیز با پذیرش بخشی از این مسئولیت، نشان داده که توسعه شهری لزوماً در تعارض با پاسداشت گذشته نیست. این رویکرد در دوره‌های مختلف مدیریت شهری و با همراهی شورای اسلامی شهر دنبال شده و امروز می‌توان مجموعه‌ای از بناهای تاریخی را حاصل این اهتمام دانست؛ بناهایی که برخی پس از مرمت به مراکز فرهنگی و گردشگری تبدیل شده‌اند و برخی دیگر همچنان در انتظار تکمیل فرایند احیا و بهره‌برداری هستند.
عمارت ساعت یا عمارت باشکوه بلدیه تبریز که یکی از دارایی های مادی و معنوی تاریخی مدیریت شهری و هویت شهری است، از جایگاه ویژه ای در اماکن تاریخی تبریز، بویژه اماکن تاریخی در اختیار شهرداری قرار دارد ولی در این مجال به بررسی «خانه های تاریخی» می پردازیم.
خانه نیکدل در محله تاریخی مقصودیه یکی از نمونه‌های شناخته‌شده این اهتمام است. این خانه زیبای قاجاری پس از تملک و مرمت توسط شهرداری، در سال ۱۳۹۲ به بهره‌برداری رسید. خانه ختایی‌ها نیز از دیگر بناهای تاریخی است که شهرداری برای حفظ و مرمت آن قدم برداشته است. خانه علی مسیو، از کانون‌های مهم فعالیت مشروطه‌خواهان تبریز، نمونه دیگری از این اقدامات به شمار می‌رود؛ خانه‌ای که ارزش آن نه‌تنها در معماری بنا، بلکه در جایگاهش در تاریخ سیاسی ایران نهفته است. علی مسیو از چهره‌های اثرگذار و سازمان‌دهندگان جنبش مشروطه در تبریز بود و حفظ خانه او، در حقیقت حفظ بخشی از تاریخ مبارزات مردم این شهر برای آزادی و مشروطیت است
خانه استاد شهریار نیز نمونه موفقی از تبدیل یک خانه تاریخی به مکانی برای زنده نگه داشتن یاد و میراث صاحب آن است. این خانه در گذر زمان به یکی از مقاصد مهم دوستداران شعر و ادبیات تبدیل شده و اقدام اخیر شهرداری برای تملک و آماده‌سازی ملک مجاور، امکان توسعه فعالیت‌های فرهنگی و پژوهشی آن را فراهم کرده است. چنین اقدامی نشان می‌دهد که نگاه مدیریت شهری به بناهای تاریخی نباید صرفاً به حفظ ساختمان محدود بماند، بلکه می‌توان با توسعه فضاهای پیرامونی و تکمیل امکانات، ظرفیت فرهنگی این بناها را نیز افزایش داد.
خانه شربت‌اوغلی در محله سرخاب نیز سرگذشتی قابل توجه دارد. این خانه که در سال ۱۳۶۹ توسط شهرداری خریداری شد، پس از مرمت به فرهنگسرا تبدیل شد و بعدها در اختیار «بنیاد ایران‌شناسی» شعبه آذربایجان شرقی، قرار گرفت. این تجربه نشان می‌دهد که حفظ مالکیت عمومی یک بنای تاریخی و سپردن بهره‌برداری فرهنگی آن به نهادی تخصصی، می‌تواند الگویی برای استفاده از دیگر خانه‌های تاریخی باشد. ضرورتی ندارد که همه خانه‌های تاریخی خریداری‌شده توسط شهرداری، مستقیماً به دست این نهاد اداره شوند؛ مهم آن است که ضمن حفظ اصالت معماری بنا، فعالیتی متناسب با هویت تاریخی و فرهنگی آن در ساختمان جریان داشته باشد.
در کنار خانه‌های تاریخی، حمام نوبر نیز از بناهای ارزشمند متعلق به شهرداری تبریز است که سرگذشت آن نمونه دیگری از اهتمام مدیریت شهری به حفاظت از میراث معماری شهر به شمار می‌رود. این حمام قاجاری، با سربینه هشت‌ضلعی و ستون‌های سنگی چشمگیر، سال‌ها پس از استفاده بعنوان سفره‌خانه سنتی، با رکود و بلاتکلیفی روبه‌رو شد. شهرداری تبریز مالک شش‌دانگ این بنای ثبت ملی است، اما صندوق احیاء و بهره‌برداری از بناها و اماکن تاریخی و فرهنگی صاحب سرقفلی است و این به یک گره حقوقی تبدیل شد که به زودی با توافقاتی که صورت خواهد گرفت، در مسیر بازگرداندن این بنای تاریخی به زندگی فرهنگی شهر است؛ اقدامی که با تکمیل مرمت و بهره‌برداری مستمر، می‌تواند یکی از فضاهای ارزشمند فرهنگی مرکز تبریز را دوباره فعال کند.
در کنار این آثار، باید از خانه آیت‌الله بنی‌فضل، خانه امیرکبیر و خانه‌باغ امامی نیز یاد کرد که نام آن‌ها در اقدامات شهرداری برای تملک، حفاظت یا سامان‌دهی بناهای تاریخی آمده است. یکی دیگر از اقدامات مهم سال جاری، تکمیل مرمت خانه تاریخی کلکته‌چی در راسته‌کوچه تبریز است. این خانه که شهرداری در سال ۱۳۹۴ آن را تملک کرد، پس از سال‌ها انتظار، با تاکید دکتر هوشیار شهردار تبریز و پیگیری شهردار منطقه هشت مورد مرمت قرار گرفت و در مهرماه ۱۴۰۵ به بهره‌برداری رسیده و در اختیار انجمن خوشنویسی استان قرار گرفت تا هنرمندان بزرگی را از این خانه تاریخی به ایران عزیز تربیت کند. خرید یک خانه تاریخی، هرچند اقدامی ضروری و ارزشمند است، تنها نخستین گام در مسیری طولانی به شمار می‌رود. مرمت اصولی، حفاظت مستمر و انتخاب کاربری مناسب، حلقه‌های بعدی این زنجیره هستند و بدون آن‌ها نمی‌توان از احیای کامل یک بنای تاریخی سخن گفت.
در همین زمینه، خانه تاریخی یاشار، معروف به خانه حسین‌زاده، در کوچه ملاباشی نیز شایسته توجه است. این خانه که در فهرست آثار ملی به دوره قاجار منسوب شده، بنا بر گفته برخی مطلعان، ممکن است بخش‌هایی متعلق به دوره زندیه داشته باشد. با توجه به زلزله بزرگ تبریز و کمیابی بناهای مسکونی بازمانده از دوره‌های پیش از قاجار، بررسی دقیق این احتمال اهمیت فراوانی دارد. اگر کارشناسان میراث فرهنگی بتوانند قدمت بخش‌هایی از این بنا را به دوره زندیه نسبت دهند، خانه یاشار جایگاهی ممتاز در تاریخ معماری تبریز خواهد یافت. لذا این خانه نیز به تملک شهرداری درآمده، اما هنوز مرمت اساسی آن آغاز نشده است. شایسته است بررسی تاریخی و معماری بنا و اقدامات ضروری برای جلوگیری از آسیب بیشتر به آن، در اولویت قرار گیرد.
تجربه این خانه‌ها یک اصل اساسی را پیش روی مدیریت شهری می‌گذارد: «تملک بناهای تاریخی، بدون مرمت به‌موقع و تعریف کاربری مناسب، به‌تنهایی به معنای نجات آن‌ها نیست». بنای تاریخی که پس از خرید سال‌ها بسته و متروک بماند، همچنان در معرض فرسودگی است. از سوی دیگر، خانه‌ای که مرمت شود اما به زندگی فرهنگی و اجتماعی شهر بازنگردد، بخش مهمی از ظرفیت خود را از دست داده است. برای همین، شهرداری هم‌زمان با برنامه‌ریزی برای خرید خانه‌های تاریخی، منابع مورد نیاز مرمت و طرح بهره‌برداری از آن‌ها را نیز پیش‌بینی می‌کند.
البته حفاظت از میراث تاریخی شهر همواره به معنای خرید بناها از سوی شهرداری نیست. خانه تاریخی ارفع‌الملک جلیلی در خیابان شهید بهشتی (منصور سابق)، نمونه‌ای است که این واقعیت را به‌خوبی نشان می‌دهد. خانه‌ای متعلق به یکی از شهرداران اثرگذار تاریخ تبریز که نام او با احداث عمارت باشکوه ساعت و شکل‌گیری بخشی از سیمای نوین شهر گره خورده است. حفظ این خانه، فراتر از ارزش معماری آن، به معنای پاسداشت بخشی از تاریخ مدیریت شهری تبریز است.
شهرداری تبریز در گذشته برای خرید و تملک خانه ارفع‌الملک نیز تلاش‌هایی داشته، اما به دلیل فراهم نشدن توافق با مالک خصوصی، این تلاش به نتیجه نرسیده است. این تجربه یادآور واقعیتی مهم است: حفاظت از میراث تاریخی شهر، اگرچه ضرورتی انکارناپذیر است، اما نباید به تحمیل هزینه‌های نامتعارف بر منابع عمومی بینجامد. شهرداری به همان اندازه که در برابر حفظ هویت تاریخی شهر مسئولیت دارد، در قبال صیانت از حقوق شهروندان و هزینه‌کرد منطقی بودجه عمومی نیز مسئول است. ازاین‌رو، خرید بناهای تاریخی باید بر پایه ارزیابی کارشناسی و توافقی منصفانه صورت گیرد، نه صرفاً بر اساس قیمت درخواستی. از سوی دیگر، مسئولیت حفاظت از یک بنای ارزشمند تاریخی، تنها بر دوش شهرداری نیست. مالکان خصوصی نیز در چارچوب قوانین و ضوابط میراث فرهنگی، در حفظ این سرمایه‌های تاریخی سهم دارند و دستگاه‌های متولی نیز باید با استفاده از ظرفیت‌های قانونی و حمایتی خود، زمینه حفاظت از این آثار را فراهم کنند.
مشارکت مالکان در مرمت و بهره‌برداری، ارائه مشوق‌های قانونی و ایجاد کاربری‌های اقتصادی و فرهنگی سازگار با اصالت بنا، از راهکارهایی است که می‌تواند بدون تحمیل هزینه‌های سنگین خرید به شهرداری، به حفاظت از خانه‌های تاریخی کمک کند. در واقع، تملک باید یکی از ابزارهای حفاظت از میراث تاریخی باشد، نه تنها راه ممکن برای نجات آن.
خوشبختانه اقدامات اخیر شهرداری تبریز نشان می‌دهد که این نگاه به‌تدریج از مرمت تک‌بناها فراتر رفته و به بازآفرینی فضاهای تاریخی شهر نزدیک شده است. احیای عمارت کلاه‌فرنگی در باغشمال و افتتاح آن در خرداد ۱۴۰۵ از نمونه‌های شاخص این رویکرد است. بنایی که بازآفرینی آن، علاوه بر بازگرداندن یکی از عناصر معماری تاریخی به سیمای شهر، زمینه شکل‌گیری یک فضای فرهنگی و اجتماعی تازه را فراهم کرده است. بااین‌حال، تکمیل امکانات و تعریف برنامه‌های فرهنگی مستمر، شرط موفقیت نهایی این پروژه خواهد بود. عمارت کلاه‌فرنگی زمانی می‌تواند جایگاه شایسته خود را در زندگی شهری تبریز بازیابد که علاوه بر زیبایی معماری، به مکانی زنده برای حضور شهروندان و فعالیت‌های فرهنگی تبدیل شود.
اقدام ارزشمند دیگر شهرداری، احداث باغ‌موزه ستارخان در مجاورت خانه تاریخی سردار ملی است. شهرداری تبریز با تملک هشت پلاک پیرامونی و سامان‌دهی محدوده، فاز نخست این مجموعه را در مهرماه ۱۴۰۵ به بهره‌برداری رساند. اهمیت چنین اقدامی تنها به ایجاد یک فضای عمومی جدید محدود نمی‌شود؛ این پروژه می‌تواند بستری برای روایت تاریخ مشروطه و معرفی جایگاه تبریز در تحولات سیاسی ایران باشد. البته برای تحقق کامل این هدف، باید محتوای تاریخی، اسناد، آثار و روایت‌های معتبر نیز در کانون طراحی و بهره‌برداری مجموعه قرار گیرند. باغ‌موزه ستارخان نباید صرفاً به فضایی زیبا در مجاورت یک خانه تاریخی محدود شود، بلکه شایسته است به مرکزی برای آشنایی نسل‌های جدید با زندگی و مبارزات سردار ملی تبدیل شود.
این تجربه اکنون با جدیت درباره خانه باقرخان، سالار ملی، نیز ادامه دارد. خانه‌ای که حفظ و احیای آن سال‌ها از مطالبات دوستداران تاریخ تبریز بوده و شهرداری نیز پیگیری تملک آن را در برنامه سال جاری قرار داده است. شایسته است این طرح با همکاری دستگاه میراث فرهنگی و استفاده از ظرفیت پژوهشگران تاریخ مشروطه، به مجموعه‌ای درخور نام باقرخان تبدیل شود. مجموعه‌ای که در کنار خانه علی مسیو، باغ‌موزه ستارخان و موزه مشروطه، امکان شکل‌گیری یک مسیر فرهنگی منسجم با موضوع تاریخ مشروطیت در تبریز را فراهم کند. چنین مسیری می‌تواند برای گردشگران داخلی و خارجی جذاب باشد و درعین‌حال، روایت تاریخی مشروطه را از کتاب‌ها و اسناد به فضاهای واقعی وقوع رویدادها پیوند دهد.
در حقیقت، ارزش خانه‌های تاریخی تبریز تنها در قدمت دیوارها، ارسی‌ها، گچ‌بری‌ها و حوض‌خانه‌های آن‌ها خلاصه نمی‌شود. بسیاری از این خانه‌ها با زندگی شخصیت‌های برجسته، خاندان‌های تجاری و فرهنگی، جنبش‌های اجتماعی و تحولات سیاسی شهر پیوند دارند. خانه علی مسیو و خانه‌های ستارخان و باقرخان، یادآور تاریخ مشروطه‌اند؛ خانه شهریار با تاریخ ادبیات معاصر پیوند دارد؛ خانه ارفع‌الملک بخشی از تاریخ مدیریت شهری را روایت می‌کند و خانه‌هایی مانند کلکته‌چی و شربت‌اوغلی، افزون بر ارزش معماری، می‌توانند دریچه‌ای به تاریخ اجتماعی و اقتصادی تبریز باشند. این تنوع، فرصتی کم‌نظیر برای شکل‌گیری شبکه‌ای از خانه‌موزه‌ها و مراکز فرهنگی در بافت تاریخی شهر فراهم کرده است.
شهرداری تبریز امروز مالک یا متولی مجموعه‌ای از خانه‌ها و بناهای تاریخی است که در این میان، شهرداری منطقه هشت تبریز به دلیل قرار گرفتن بخش مهمی از بافت تاریخی شهر در محدوده آن، جایگاهی ویژه دارد. بخش قابل‌توجهی از تجربه‌های موفق تملک و مرمت خانه‌های تاریخی در این منطقه شکل گرفته و می‌توان با مستندسازی این تجربه‌ها، الگویی اجرایی برای حفاظت از بناهای ارزشمند در دیگر مناطق شهر نیز فراهم آورد. البته تحقق این هدف نیازمند همکاری مستمر شهرداری، شورای اسلامی شهر، اداره‌کل میراث فرهنگی، مالکان خصوصی و فعالان فرهنگی است؛ چراکه حفاظت از میراث تاریخی، مسئولیتی فراتر از توان و وظیفه یک نهاد به‌تنهایی است.
تبریز برای حفظ هویت خود، تنها به ساخت بناهای تازه نیاز ندارد؛ گاهی مهم‌ترین خدمت به آینده شهر، نجات خانه‌ای از گذشته آن است. شهرداری تبریز با خرید و احیای شماری از خانه‌های تاریخی، قدم‌های ارزشمندی در این مسیر برداشته است؛ اقداماتی که شایسته قدردانی‌اند و باید استمرار یابند. اکنون زمان آن است که این تجربه از مجموعه‌ای از اقدامات پراکنده به برنامه‌ای فراگیر، منظم و بلندمدت تبدیل شود؛ برنامه‌ای که در آن حفاظت از خانه‌های تاریخی، مرمت اصولی، بهره‌برداری فرهنگی و صیانت از منابع عمومی در کنار یکدیگر قرار گیرند.
خانه‌های تاریخی تبریز، تنها یادگار گذشته نیستند؛ بخشی از سرمایه فرهنگی آینده این شهرند. حفظ آن‌ها نه بازگشت به گذشته، بلکه سرمایه‌گذاری برای آینده شهری است که می‌خواهد در مسیر توسعه، هویت و اصالت خود را نیز حفظ کند.